

کامل راه میرود دولت استریج سال پیش
 که یک وقت پای تخت دینه بدست باغبان
 افتاده بود در حجازستان هم جنگ داشته
 صدمه زیاد حوزده بود بازار حسن رفتار
 صایب امنای دولت است که دولت استریج
 در میان دول فرنگستان اعتبار تمام دارد و روز
 بروز نظم کارشان بیشتر میشود
 احوالات متفرقه

در روزنامه های فرنگستان در باب تجارت
 مابین دولت انگلیس و دولت عثمانیه باین طور
 نوشته اند که جمیع اجناس تجاری که در کمال
 از شهرهای لندن و لورنول و سوئیس و پطمان و لانت
 انگلیس بولایت عثمانیه فرستاده اند معادل بار
 که در حجاب پول ایران چیزی زیاد تر بوده و اکثر
 این اجناس از قماش شپشه و پنبه بود و قدر
 اجناسی که تجارت مال خرازی میکنند که از جمله چیزهاست
 که از این ساخته اند چینی و قهوه و شکر و قهوه هم
 از خرازی یکی دنیا اول بلندن می آید و بعد از آن به
 اسلامبول روانه می کنند زیاد آورده بودند
 ازین مال در کشتی بخار میگذارند و باقی را در کشتی
 بادبانی چون شکر و قهوه و قند و بعضی اجناس دیگر
 بقیمت ارزان اند در کشتی بادبانی میگذارند اما
 که آنها و کم وزن باشد در کشتی بخار میگذارند که
 روزه پنزل برسد و این یازده که در مال تجاری
 با اسلامبول آمده است با آن مال تجاری است که از

ملک انگلیس بملکت ایران می آورند که از اسلامبول
 میگذرد و بطرازان می آید و در عوض این یازده کرده
 مال تجاری که با بنجامی آید اجناس میرند از جمله
 و شمش و کورک خصوصاً از کورک سمت انقرا که بسیار
 میرند و بک تجارت عمده هم از ولایت عثمانیه
 انگلیس در غلظت است که از ملکین مالداویه و والا کتیه

از اسکندریه مصر نوشته بودند که کشتی کوچکی از
 ملک اردنیه با بنجام آمده بود که اسبهای عربی از
 مصر بجهت پادشاه ساردنیه اقباع کا بدو
 جنبی که در آنجا داشتند یک کشتی بزرگ بود که اسبها
 عراده توب داشت و دو کشتی کوچک که هر یک
 بیت عراده توب داشت و اینها را از حوضها
 نگاه داشته بودند بیرون کشیده بودند که تعمیر
 و حاضر بکنند قشون پاشای مصر را درین ایام
 پنجاه هزار کس میداند و اکثر آنها از طایفه عرب
 این پنجاه هزار نفر بسیاری در مشق و آراستگی
 و چابکی نامند و بسیار قشون رشید خوب اند
 صاحب منصبان آنها نسبت قشون چندان قابل
 نیستند

یک شعبه از رود نیل در آنجا که داخل دریای سیوه از رود
 و میانه میگذرد و حال عباس پاشا میجواید این شعبه رود
 عمیق نماید بطوریکه کشتیها بدون تشویش در آنجا تردد
 نمایند و بجهت زیاد شدن آب این شعبه در بعضی شعبهای
 دیگر بند ساخته است که آب آنها با لارده این شعبه علاوه

۸۶۲

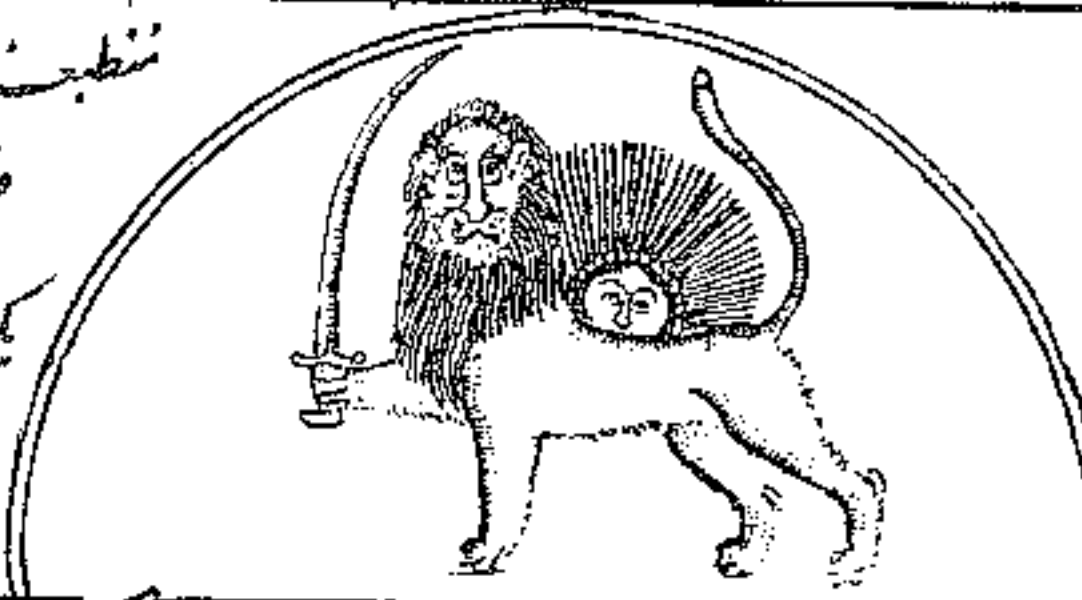
بشود بعضی از مهندسیین میگویند که بریدن آب از آن
 شعبهای دیگر ضرر بزراعت کاران می آورد که این آب
 بجهت زراعت آنها لازم است و لکن دیگران میگویند
 که بزارعین ضرر نخواهد رسید زیرا که انقدر آب که کفایت
 زراعت آنها را بکند باز از این شعبها میروند
 راه آهن بجهت زردکال که بخار در مملکت مصر بسیار
 راه می رود و مکان داشتند که تا آخر سال قدری
 از این راه کشوده بشود و کالک در آنجا تردد نماید
 بجهت حمل و نقل بارهای تجاری و تردد مسافرین
 در باب تجارت هندوستان در پیش گفتگو که در
 انگلیس در باب امورات هندوستان شده است
 میگویند که عمده حاصل مملکت هندوستان که بخواج
 صیف استه تریاک و نیل و بعضی اجناس دیگر است که
 صافان مصرف می کنند و قیمت این اجناس
 تخمیناً چهل و چهار کروم بحساب پول ایران در هر
 میشود و غله و پنجه نسبت بوسعت ولایت بسیار
 کم بخارج صیف هستند و پنجه اش سخی پنجه یکی و پنجه
 نسبت تریاک و نیل و اجناس رنگرز خانهها چون
 قیصر زیاد است حمل و نقل آنها بخارج بجهت ولایت
 هندوستان نفع دارد و لکن غله چون که ارزان است
 حمل و نقلش بولایات دور چند آن نفعی ندارد مگر آنکه
 بعد ازین نهر از رودخانه بروی دخانه بسیار که غله را
 در کشتی گذاشته بی حمت حمل و نقل نمایند و اگر در آنها
 هم در خشکی بسیارند با عراب نیز باسانی حمل و نقل میشود

۸۶۲

اما بان آسانی که در روی آب حمل و نقل میشود
 در یکی از شهرهای کوچکی که از مملکت سواریست
 دولت و سی باب خانه آتش گرفته و سوخته است
 و ابتدای آتش از خانه دباغی بوده است که مقر
 شده و کارش معیوب گردیده بوده است خود
 قصه انبار و خانه حوز را آتش زده و بعد خود را
 هلاک کرده بوده است و آتش از عمارت او بخانههای
 دیگر سرایت کرده و دولت و سی باب خانه سوخته
 در یکی از معدن ذغال مملکت فرانسه بخار معدن
 یکبار آتش گرفته بود و هفت نفر از معدنچیان در آنجا
 مانده بودند مردم خیال کرده بودند که این هفت نفر
 در آنجا تلف شده اند بعد از آنکه بخار و نشت بود
 چهار نفر آنها را از آنجا زنده بیرون آورده بودند
 وقتی که بخار آتش گرفته بود از ضربی که سبک معدن
 حوزده بود چشمه آب بیرون آمده بود و این چاه
 نفر معدنچی بان سمت معدن که بالای آب بود رفته
 بودند در آنجا قدری ثمان و پیر و غیره که معدنچیان
 دیگر که در آنجا کار میکردند گذاشته بودند چشمه دو
 روز در آنجا همان آرزو خود واری کرده بودند تا
 اینکه کسانی که در آن چاه معدن بودند سر را
 آنها را شنیدند پائین رفته بودند آنها را صحیح و
 سالم بالا آورده بودند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم خرداد ماه و پنجم الحرام مطابق سال اول و دوم ۱۲۶۹

نزد صدوسی و سی و هشت
قیمت روزنامه
یک نسخه ده شایکل
هفتاد و چهار هزار



منظمت و اصلاح طهران
قیمت اعلانات
یک سطر اما چهار سطر یک هزار
بیشتر به هر سطر

اخبار واحد مالک محروپ و شاه

اردوی هاپون

موافق روزنامه که درین هفته رسید موبک سیر و بی
اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی در چمن سلطان
توقف دارند و نوشته بودند که اردوی که در چمن سلطان
برای تشرین رکاب هاپون زده شده است بطوری
منظم است که با وصف اینکه قریب شصت هفتاد هزار
نفر از چاکران تشرین رکاب و قشون رکابی و سواره
مدان دیگر در اردوی هاپون میباشد تا حال اینکه
دلیل بر بی نظمی باشد هیچ چه اتفاق نیفتاده و از حال
نظم حالت اردوی کیوان پوی بنجی است که با این
کثرت جمعیت که با هیچ کثرتی در این اردو نیست و از
احدی صد بیرون نمی آید و هر یک از تشرین رکاب
هاپون حفظ امر است و قواعد مقرره اردو را بطور شایسته
می کنند و ذره بی اعدالی از احدی ناشی و صادر
و افواج رکابی سواره باشکوه تمام مشغول شوق
هستند و روز عید اصحی که اعلیحضرت قوی شوکت
پادشاهی بقاعده مقرره هر ساله برای سلام

بارعام فرموده بودند جمیع شاهزادگان و سواران
عظام و امر او خوانین و صاحب منصبان نظام
از هر طبقه و هر صنف باشکوه و آراستگی تمام
در سلام حاضر شده بودند و از قشون ظفر نمون هم
بیت و چهار فوج برای سلام اخبار و اعلام شده
بودند همگی با نظم و قاعده و ترتیب و شکوه و آراستگی
تمام با یکدیگر از سواران تشرین رکاب هاپون پیاده
و با ادضاع و اسباب تمام بطور شایسته و محاذ
حضور هاپون صف کشیده در سلام عام حاضر
شدند و هر یک در مرتبه و مقام خود قرار گرفتند
و از توپهای حاضر اردوی هاپون نیز پانزده عراده
توپ در یک سمت صف سلام و پانزده عراده
در سمت دیگر ترتیب داده بودند و یکصد و
هشتاد و سه توپ در سه مرتبه شلیک زنجور کردند
و تحقیقا بقدر پنج فرسخ مسافت میدان سلام بود
و چنان سلام با نظم و شکوهی اتفاق افتاده بود
که تا بحال هیچیک از چاکران قدیمی این دولت در عهد

۸۶۵

هیچیک از سلاطین با فردی که این عهد سلطانی با این
شکوه در چمن سلطانیه ندیده بودند و در آن روز
اعلیحضرت پادشاهی اظهار کمال محبت فرمودند
سلام بجناب جلالت آفتاب صدر اعظم فرمودند
و بلفظ مبارک بر محاسن این مقامات جناب منظم
نخستین فرموده بنیایات خرد و مشمول باشند

چون امیر الامراء العظام مقرب الخاقان عزیز خان
اجوان باشی و سردار کل عساکر منصور پیش از آنکه
موکب هایون وارد چمن سلطانیه شده صاحب انجمن
تشریف قدم بخدمت منظم اردوی نظامیه کمال
و اهتمام را معنی داشته تا روز ورود موکب هایون
و بعد از آن امر افواج و سواره را که در چمن سلطانیه حاضر
از هرجه و هر حیثیت منظم و منضبط داشته مراتب
انتظامات معزنی الیه در نظر انورهایون ریاده جلوه
کندیدند افتادند و روز بعد از ورود محض حضرت
یکرکس اسب خاصه چنان را که از اسبهای نامی مشهور
خوب مخصوصی اعلیحضرت پادشاهی بود یاد حضرت

در روز دوشنبه ششم این ماه اعلیحضرت پادشاهی
برای تفریح بچمن سلطانیه که با صفای خوش است
تشریف فرما شده و مختار را در آنجا میل فرمودند و بعد
از آن برای شکار بکوههای نزدیک بان حرمشاه تشریف
رفتند و بمرحبت فرموده اند

دسم چنین در روز چهاردهم نیز برای تفریح بچمن
تشریف بردند و بامروای انجمن در نظرهایون اعلی

افتاد تا عصر روز دوشنبه در آنجا تشریف داشتند
و جناب جلالت آفتاب صدر اعظم انجمن نیز با بعضی
از چاکران و دربارهایون در آن دو روز طهرم رکاب
بوده اند و عصر روز دوشنبه معاودت بارودی
هایون فرموده اند

در روز پنجشنبه هجدهم این ماه که روز عید غدیر بود
مستطاب کامیاب امجد والا ولیعهد دولت علیه در خط
نقاشی خازنه بواختانه مبارک بنیابت وجود مبارک
اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی سلام نشسته
و نواب مستطاب شاهزاده والا تبار را در شهر میرزا
دار انجمن طهران و نواب ساسان میرزا الله با و مقرب
میرزا موسی وزیر دار انجمن و مقرب الخاقان میرزا
و سایر صاحب منصبان نظام و خوانین و اعیان
اشراف و کاتبان شرفیاب حضور نواب منظم
کر دیده بقانونی که معمول است اول این دولت علیه است
یکصد و ده تیرتوب که مخصوص این عید است شلیک نمودند
و بعد از آن خطیب ادای خطبه بنام نامی اعلیحضرت قوی

پادشاهی نموده و عموم اهل سلام سلامتی وجود فانی وجود
مبارک اظهار مسرت و شادمانی و شکر گذاری نموده و
عید جشن و خورجی این عید عزیز را بعل اول روز و عصر
در روز دوشنبه بیست و دوم این ماه نواب مستطاب
شاهزاده والا تبار را در شهر میرزا بدر کس و دار الفنون
رفتند و در کلاس و کلاس بیکان رسیدگی نموده تا نزدیک
بغروب آفتاب بکامیابین و معاینه وقت و عورری کمال کردند
و بکامیابین و معاینه در کارهای خود کمال اهتمام را دادند

۸۶۶

و اسبم چنین روز سه شنبه بخانه عالیجاه محمد رضا خان
که مجلس تقریر داری مرحوم میرزا احمد خان را که فوت شد
بر پا نموده بود تشریف برده و مجلس فاتحه را برچیدند
و از جانب اولیای دولت هدیه تسلی بجایگاه شایسته
داده و تقدیم نمودند و در مراجعت از آنجا بجمع اصحاب
رفتند و بکارها و صنایع آنها رسیدگی نمودند و آنها را
نمودند

در روزنامه چهارم پنجشنبه نوشته شد. بود که عالیجاه
طاسین صاحب شایسته و فرزند دولت به مجلس حاکم الامر
روانه اردوی تاپون گردید و این عبارت استنباط نوشته
شده بود بجایست نوشته شود که عالیجاه جلالت بابت
همراه طاسین صاحب شایسته و فرزند دولت به مجلس
حکومت الوعده روانه اردوی تاپون گردید و این چند
کلمه را با مشربین روزنامه بجهت خود خواهی نوشته

از جمله کارهای خیر که در راه انداختن مدرسه دارالفنون
و آوردن معلمین از فرنگستان نواید آن عاید عامه حنیف
کارهای عالیجاه دکتر لولاک معلم علم طب است بعد از رفع
ناخوشی و با که مدرسه دارالفنون دایر گردیده مشارالیه
سه سنگ شانه بیرون آورده و در تسلیم شاکردن
بعض تحقیق علمی اکتفا نمی کند بلکه بعلل بدی رفع هر گونه مرض
حالی و خاطر نشان بنماید و از ماه محرم با ارسال تا حال
که یک سال است بیت دست سنگ شانه بیرون
آورده که بیت نفر آنها ذکر و سه نفر انماش بوده اند و
از همه اینها یک نفر تلف شده است بحق عالیجاه
در کار خود بسیار قابل دماهرت و تقصیر محالجات

عزیمه دیگر که نموده است در هفته آینده در روزنامه
نوشته میشود

از جمله اشخاصی که در اوقات ناخوشی و با غیبت کوب
هایون در دروازه اخلافت طهران در مسرت خود بوده و
نمودند عالیجاه حاجی ملا علی طبیب نوپناه مبارک که
که همه روزه در میدان ارک مشغول مداوا و معالجه مر
افواج توپچی و سرباز و غیره بود و از قرار تصدیق محرب
فضان آقای میرنجه و عالیجاه میرزا محمد حکیم باشی نظام
درین مدت ناخوشی بقدر مقصد شفقت نفر از مرضای
نوپخانه و افواج قاهره نظام معالجه و مداوای مشارالیه
صحت یافته اند

موجب قسروزی کوب هایون از زمین سلطانیه نسبت
دار اخلافت مبارک که حرکت فرموده و مقرب انخاقان
مجمعی خان میرنجه را با چند فوج از افواج قاهره نظام
مقدمه روانه فرموده اند و مقرب انخاقان مشارالیه
امروز که روز چهارشنبه بیت و چهارم ماه دیجده است
با افواج منبوره وارد ساحت دار اخلافت گردیده در
بیرون شهر منزل کردند و موبک منصوره نیز متعاقب
حرکت فرموده و از قراریکه از اردوی هایون نوشته شد
در روز شنبه بیت و مقیم بالشوکه و الاجلال بامر سلطنت
تشریف فرمایند

سایر ولایات

فارس از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته شد
درین اوقات در آنجا ماززلر اتفاق افتاده و لکن بحمد
هم رسیده و حکم سلطنتی بر او میزند و در بنا و عملیات
مشغولند

۸۶۷

استرآباد

از قرار یکده روزنامه استرآباد نوشته بود
مقرب انخاقان محمد ولیمان بیکر بسکی استرآباد
در انتظام طرق و شوارع و معابر دقت تمام دارد
و مستحفظه و قاول در همه جا تعین کرده که مشغول حفظ
و حر است را بهجا باشند و هر پنج شش روز یک
خودش سوار شده بسر سکرها و معبرها میرود و دور
میکند که از طایفه ضاله ترکانه بیوت دزدی و دزد
اتفاق نیفتد و هرگاه از طایفه مذکور کسی برای دست
بان حدود بیاید گرفتار غلامان و مستحفظین شده
بمعرض تنبیه می آید

اگر چه ثواب تعزیه داری جناب سید الشهدا علیه
الآف التحیه و الثناء و فضایل و معجزاتی که از آن
بزرگوار در هر سال در نکایا و مجالس تعزیه لفظی
رسیده است زیاده بر آن است که در حیرت بخیزد
ولی چون از قرار یکده روزنامه استرآباد نوشته
بودند این اوقات که امامی آنجا بجهت رفع بلیات و
توسل با حضرت در مسجد کاشن و مسجد جامع و محله
نعلبندان بجای روضه خوانی که داشته بودند در
مجلس تعزیه آنجا بعضی امور از آن بزرگوار که باعث
تکبیل عقیده مردم جواب و فضایل تعزیه داری آنحضرت
بود ظاهر شده است لهذا در روزنامه نیز نوشته شد
که یک نفر ضعیفه صاحب عقیده که در مجلس روضه خوانی
حاضر بوده در آشنای اینک اهل مجلس باریقت تمام
مشغول گریه بوده اند همه نفر سوار در پیش سحله که در

آن مجلس افروخته بودند دیده است که مستفقد از اهل
مجلس نگاه می کنند و آثار بزرگی از وجنات احوال
آنها پیداست شرح احوال آنها را از یک نفر ضعیف دیگر
در پهلوی او بوده و حالت عزادار شده استفسار نمود
ضعیفه مذکوره باریقت تمام جواب داده است که آنها
جناب سید الشهدا علیه السلام و حضرت عباس و
علی اکبر هستند ضعیفه سائله بعد از شنیدن این جواب
نه آن سوار را را دیگر دیده است و نه آن ضعیفه سعادتمند را

و هم چنین نوشته بودند تحقیق پیوسته است که در
کوچه شیرکش در خانه روضه خوانی بوده است و در
استحانه سه چهار نفر ناخوش و عللیل و سبری بوده
در آشنای روضه خوانی سه نفر زن با استحانه وارد شده
زمان خانه در مقام استفسار احوال آنها برآمدند
جواب داده اند که ما در دو خواهر آن جناب سید الشهدا
علیه السلام هستیم و برای شفا دادن این چند نفر عللیل که
درین خانه هستند آمده ایم و بعد ازین سنوال و جواب
آن سه نفر بزرگوار از نظر زمان خانه غایب شده اند
و در بعضیهایی که در آن خانه بوده اند از فرض مقدم آنها شفا
باقیه حالت مرضشان بصحت تبدیل شده است
و که لک نوشته بودند ضعیفه در خانه خودش روضه خوانی
زمانه داشته و برای احسان بفقرا خیر کرده بوده است
که نان ببرد و طفلی بسن دو سال و نیم داشته در کنار
تور بوده است بمیان آتش افتاده در آشنای این کیفیت
گاورش حاضر نبوده است بعد از آنکه مطلع شده بر

س ۱۰۰	خرزبه قسم یکبار شتری شتر اروپا	س ۱۰۰	سرتو آمده است پهن خود را اینجا مسا لما بیرون
ص ۱۰۰	خرزبه زرند یکبار شتری پنجاه کجاست	ص ۱۰۰	آورده بود است از فراری که نوشته بود دید هیچ
ل ۱۰۰	خرزبه شهر بار یکبار شتری چهار هزار	ل ۱۰۰	افت و اسب و صده بان طفل زرسیده است
ع ۱۰۰	خرزبه و راهین یکبار سه هزار	ع ۱۰۰	تسعیر اجناس ما گولاب و غیره را بخل
ع ۱۰۰	هندوانه تیر یکبار سه هزار	ع ۱۰۰	برنج غنچه یک من یازده شاهی خاصه
ع ۱۰۰	دوربال یکبار	ع ۱۰۰	برنج کرده یک من دو عباسی / لا
ع ۱۰۰	دو هزار یکبار	ع ۱۰۰	بروغن چهار من هشت هزار و پانصد دینار
ع ۱۰۰	انگور عسکری یکبار	ع ۱۰۰	گوشت یک من یک هزار دینار / لا
ع ۱۰۰	انگور خلیلی یکبار	ع ۱۰۰	مرغ یک قطعه ده شاهی / لا
ع ۱۰۰	یک من	ع ۱۰۰	گندم یک هزار دو تومان / لا
ع ۱۰۰	یک من	ع ۱۰۰	جو یک هزار یک تومان / لا
ع ۱۰۰	یک من	ع ۱۰۰	نان یک هزار دو تومان و هزار پول / لا
ع ۱۰۰	یک من	ع ۱۰۰	بیمه یک هزار یک تومان / لا
ع ۱۰۰	یک من	ع ۱۰۰	قدار سی یک من چهار و شصت / لا
ع ۱۰۰	یک من	ع ۱۰۰	قدیر دی یک من چهار هزار و شصت / لا
ع ۱۰۰	یک من	ع ۱۰۰	بنات یک من چهار هزار / لا
ع ۱۰۰	یک من	ع ۱۰۰	شکر یک من سه هزار و پانصد / لا
ع ۱۰۰	یک من	ع ۱۰۰	هل یک من دو تومان / لا
ع ۱۰۰	یک من	ع ۱۰۰	میچک یک من شانزده هزار / لا
ع ۱۰۰	یک من	ع ۱۰۰	دراچینی یک من هشت هزار / لا
ع ۱۰۰	یک من	ع ۱۰۰	فلفل و زرد چوبه یک من سه هزار / لا
ع ۱۰۰	یک من	ع ۱۰۰	زیره کرمان یک من سه هزار / لا
ع ۱۰۰	یک من	ع ۱۰۰	زیره سبز یک من سه هزار / لا
ع ۱۰۰	یک من	ع ۱۰۰	اسب لیمو یک من سه هزار و شصت / لا
ع ۱۰۰	یک من	ع ۱۰۰	خله بات یک من پنجاه و دینار / لا

اخبار دول خارجه

انگلیس در شورخانه این ولایت در خصوص
 اخراجات زیاد که بجهت قشون بری و بحری میکند
 گفتگو شده است و بعضی از اهل شورخانه صلاح
 که دولت انگلیس انقدر اخراجات بجهت قشون نکند
 و بعضی دیگر جواب این گفتگو را با اینطور گفته اند که
 چهل سال پیش ازین در هنگام جنگ عظیم فرنگستان
 که اوضاع اهل انگلیس نسبت باین ایام بسیار کم بود
 قشون زیاد نگاه داشتند و جنگ بزرگ را از
 پیش برداشتند و حساب قشون آن ایام را باین
 تفصیل نوشته اند قشون بحری صد و چهل هزار
 قشون بری رگابی دولت دوی و هفت هزار و قشون
 روی پیاده سیصد و هفتاد و یک هزار و قشون
 روی سواره هشت و پنجاه هزار و غیر از اینهم در
 سایر ممالک خارج که در تصرف انگلیس بود قشون
 زیاد داشتند بطوریکه در آن ایام میگویند از هر
 قسم قشون در هر جاد و کرد و قشون داشتند در آن
 سال صد و چهل و پنج و در پول خرج قشون کرده بود
 و اخراجات کل قشون که امسال در دستور العمل این
 ولایت دیده اند از بیست و شش کرو و چیزی زیادتر است
 و بعضی مردم بصد آورده اند که این بیست و شش کرو
 که بقشون خرج میکنند زیاد است کویا قشون در
 آن ایام را فراموش کرده اند
 از سایر دول خارجه اخباری نبود مگر آنچه در حوال
 متره نوشته میشود

احوال متفرقه

در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند که کشتیها
 تجارتمی را که در سلا بول بودند بجا آمد همه را اجاره
 کرده بودند و اجناس تجارتمی در میان آنها گذاشته
 زود روانه نموده بودند بطوریکه از دولت فروختی که
 تازه وارد شده بود بقدر صد و شصت و دو کشتی را
 همه با کبری کرده بودند و در کار بار کبری بودند
 و اکثر این کشتیها را بسمت قرم و سرحدات روس
 که در ساحل فرادکنیزه است روانه میکردند که از آنجا
 غله بار کرده بفرنگستان ببرند
 چند سال پیش ازین اطباء فرنگستان جوهری خترا
 کرده اند که هر کس استقام کند بی حش میبود و این جوهر
 بکار جراحان بسیار آمده است که اگر بخوانند عضو را
 ببرند یا بخیچه بکنند این جوهر را نزدیک دماغ شخص
 میکنند و از استقام آن مدحش و بی حش میبود
 بطوریکه اعضای او را ببرند یا بخیچه بکنند متالم نمی شود
 اما چون بعضی ادفات اتفاق افتاده است که پاره
 اشخاص که زیاد ازین جوهر استقام کرده اند مرده اند
 باین جهت این جوهر حال چندان متداول نیست و لیکن
 بعضی از اطباء و جراحان باز مصرف می کنند و میگویند
 که نشاء میدهد مانند شامکرات و در بین روزها
 تفصیل شخصی فطری را که استخوان پایش در زیر کاسه
 صرخ سجا خورد شده بود نوشته اند که به بیماری افتاد
 آورده بودند که جراحان پای او را ببرند و این شخص
 بترتیب شکر است معاد بود و مردی نموند و پرتوت

۸۷۰

بود اول که او را بنزد جراحان آوردند از ترس و
 رنگ خود را باخته بود بعد از آنکه ازین جوهر نزد یک
 دماغ او برده بودند و قدری پوئیده بود رنگ چهره او
 سرخ شده بود مانند کسی که مشکر زیاد خورده باشد
 اما چونکه عادت شرب سگرات و جوهرات داشت
 ازین بخار زیاد ترازا آنچه سایرین که بخوردند
 عادت نداشتند بکار برده بودند و با وصف این
 بهوش هم نشده بود و مثل این بود که زیاد متشنج
 باشد جراح که دیده بود که حال انقدر استقام کرده
 او دیگر نمی فهمد پایش را برید و بستن رکهای زرک
 پایش قدری مشکل بود زیرا که این شخص مثل آدم پست
 در حرکت بود و میخواست جنب بکند و خیال میکرد که
 سکی نزدیک است و میخواست گد بان سکت
 باین سبب قدری حرکت تلاش کرده و بستن آن رکها
 مشکل شده بود بعد از آنکه رکها را بستند و شش را
 هم بستند اندام دست گاهی فحش میداد و گاهی
 میخندید و شادی میکرد آخر خواش برود و قوت بیکدیگر
 شد از بریدن پای خود هیچ خبر نداشت تا اینکه
 که پایش را بریده اند و در دستش را هم هیچ نفهمیده
 بود اکثر اوقات که این جوهر را کسی میدهند حی حس و
 بهوش می افتد و هیچ نمی فهمد اما اتفاق قسم می خورد
 که کسیکه این جوهر را استقام کرده است و دست پایش
 میریزد همه چیز را می فهمد کرد در او بعد از آنکه بهوش می
 با و نقل می کنند که دست یا پای او را چگونه بریده اند
 و وقتیکه استخوان را با آره می برند خود آن شخص

میفهمد که پایش را میریزد و میگوید که حال آره بخار
 انداخته او آره در دستش می شود
 در کنار مملکت یسکی دنیای شمالی مای در دریای
 و بسیاری خلق از ولایات جداگانگان سسما
 بجهت مای گیری و مای را گرفته شور می کنند و
 ولایات روی زمین میریزد خصوصاً سه طایفه که آن
 و زمان و اهل یسکی دنیای شمالی که زیاد مای
 میگیرند مملکت کنار این دریا در دست دولت سسما
 و گزرد در خصوص این شیلات گفتگو مابین دول شده
 حتی بعضی اوقات نزدیک شده است که در سیر
 مطلب جنگ و نزاع بشود و در یکی از روزها مای
 شهر باستان یسکی دنیای شمالی نوشته اند که
 کشتیهای آن مملکت که از آنجا روانه شیلات
 می نمودند می شدند اسباب حرب خنده بودند
 و میگفتند که چگونه تا سال اذیت از کشتیهای آن
 طوایف دیگر که در آنجا بودند دیده اند اگر سال هم
 مانند سال گذشته با آنها اذیت بکنند آنها
 جنگ خواهند کرد که رفع ظلم از خود کرده باشند
 در کتب جای این دریا که موافق عهدنامه شیلات
 آن در دست دولت فرانسه است کشتیهای آن
 بخلیس را که با آنجا رفته بودند مای بگیرند بجهت بیرون
 کرده بودند که دامهای مای گیری و سایر اسباب
 آنها در آنجا مانده بود و نتوانستند بودند ببرند و بسکن
 صاحب منصبان کشتیهای دیگر که در آنجا بودند
 در میان آنها که نوشته اند که برسم حوزدکی نشود

۸۷۱

در همین روزها جانها نوشته اند که در اول تابستان
 در آن سستها هوا بسیار گرم شده بود و در
 شهرهای غله لقیه و نیویارک بسیاری از مردم
 گرما و حرارت آفتاب تلف شده بودند و در
 شهر نیویارک در یک روزی و هفت نفر از گرما و
 حرارت آفتاب مرده بودند و در غله لقیه در یک روز
 بیست نفر و اکثر آنها مردمانی بودند که تازه با آنجا آمده
 بودند و نفیسه بودند که حرارت آفتاب در آنجا
 چند تا میرد دارد و محل تشویش است و کلاههای
 و نازک در سرشان بود

مردم در شهر نیویارک خانه کی از اجبار اجبار
 کرده بودند استخوان مرده در آنجا یافته بودند و
 میکردند که طبیب نبود چونکه شاکر و بسیار دارد
 و در می آورد و بجهت تشریح مردم زیاد جمع شدند و
 انداختند و در و چهره خانه مرگور است کنند و هر
 در خانه بود پیش از آنکه دیوانیان خبردار شوند و
 نماند همه را راحت و عمارت کرده بود

همچنین دولت فنلستان و دولت اسپانیا درین
 روزها بارگشتگونی شده است در خصوص موقوف
 کردن بردن غلام و کثیر سیاه از اوقیای جزیره کوبه
 اگر چه این تجارت از دولت اسپانیا منع شده است
 و قدغن کرده اند که غلام و کثیر سیاه با آنجا بفرستند حتی قبیله
 زیاد با آنها که غلام و کثیر با آنجا آورده بودند کرده اند و
 چونکه ازین تجارت منفعت زیاد میزند تا بحال موقوف
 شده است و درین روزها یک کشتی کوهار و یکصد

غلام و کثیر سیاه بجزیره کوبه آورده بودند و دست لغز
 از آنها در دریای تلف شده بودند و چهل نفر هم
 بعد از آنکه از کشتی بیرون آمدند مرده بودند و کشتی دیگر
 شصت و شش نفر آورده بود و کشتیهای دیگر نیز باز
 بان سستها آمده و غلام و کثیر آورده و در آنجا خسته بودند
 در مالک کرسیات دولت نیکی دنیای شمالی
 زارعین کلاً غلام و کثیر سیاه اند حال مدتی است که
 قدغن شده است که از خارج نیاورند و بسبب
 از این سیاهها زیاد تلف میشوند خواه از ضربی که
 آقایان خودشان می بینند و خواه از ناخوشیها

و بسیاری هم بگریزند و بدست فی اینند در آن
 ولایت غلام و کثیر بسیار گران شده است و
 بعد و پنجاه تومان و دولت تومان فرخت میشود
 آنها که در نیکی دنیا نگاه داشتن غلام و کثیر سیاه را
 نگاه میدارند و میخواهند که این عمل موقوف بشود چنان
 امید دارند که بسبب همین کرائی کم کم در کل آن مالک خرد
 فروش غلام و کثیر موقوف بشود و چند نفر از صاحبان اعلا

از سمت کرسیات نیکی دنیای شمالی بشهر نیویارک و
 سایر شهرهای نیکی دنیای شمالی آمده بودند و پول
 میدادند و فله می گرفتند که ببرد بولایت خودشان که
 برداشتن حاصل بسیار کار زراعت باشند و چونکه خرید
 غلام و کثیر بجهت زراعت با و نخواه بسیار همچو این
 که صاحبان اطلاق بعد ازین نفع خود را درین بینند
 پول بدهند و فله بجهت زراعت بگیرند بجای آنکه غلام
 و کثیر بجهت زراعت نگاه میدارند

۸۷۷

روزنامه قایم القایه پنج یوم خمسه دویم ماه محرم الحرام مطابق سال اول ۱۳۷۰

منطقه دارالخلافه طهران

نزد صد و چهل

قیمت اعلانات

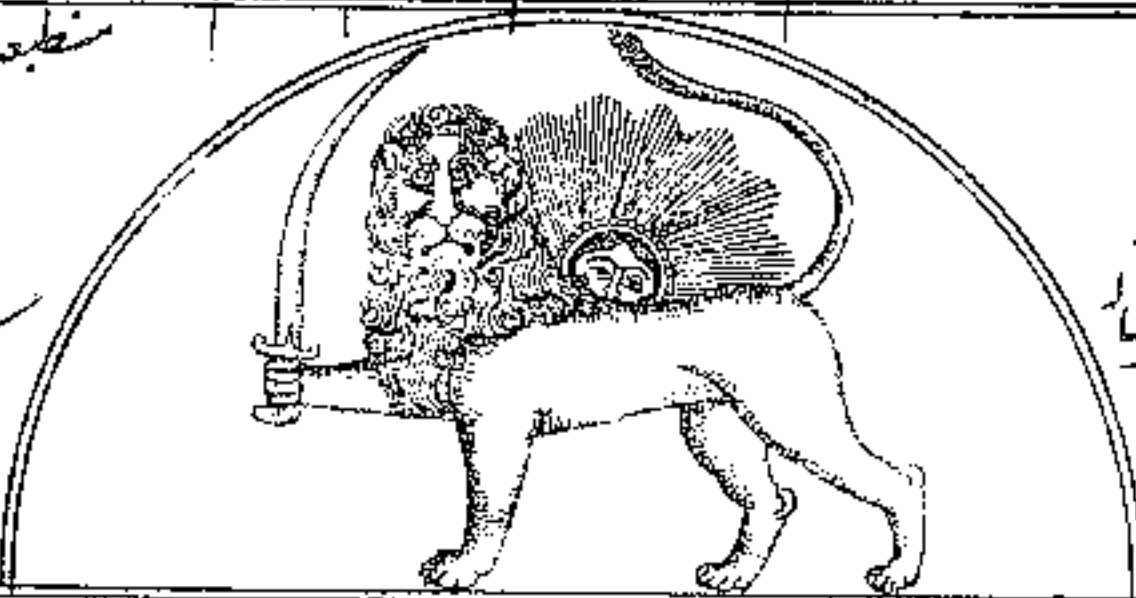
قیمت روزنامه

یک سطر اجاره یکبار

یک سطر شش ماهه

بیشتر به نظر

و غیره چهار هزار



اجبار واحسانه مالک محروسه پادشاه

دارالخلافه طهران

در روز شنبه بیست و هفتم ماه گذشته موکب منصوب
اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی که بچمن سلطانی
تشریف فرما شده بودند چنانچه در روزنامه هفت
گذشته نوشته شده با الشوکه والاقبال با کمال
شکوه و اجلال از دروازه شمیران وارد شهر گردید
و عموم اعیان و اشرف و تجار و کسبه پادشاهی
پای انداز و شیشه نبات و کاسه نبات با استقبال
شامه در هر جای فریادها و تقدیم شکر گذارها
بجهت سلامتی وجود مبارک نموده و صغیر و کبیر از زن
بجهت زیارت وجود قایم العین وجود در باهما و کوچها جمع
گردیده بودند و اعلیحضرت پادشاهی از دروازه
تخت پل رو بتهر و قورخانه مبارک که سلطانی
نزول اجلال ارزانی فرمودند و در دیوانخانه بزرگ
سلام نشسته تخت مرمری بوجودها یون ریزه
نخستینند و امانا و اعیان و ارکان دولت علیه و
مقربان حضرت کردند و نبط سینه از نظام و غیر

نظام در آن سلام هر یک در مرتبه و مقام خود
شرفیاب حضور مهر ظهور گردیدند و توپخانه مبارکه و
زنبورکخانه بقاعده معموله در میدان ارک شلیک
نمودند و در آن سلام جناب جلالت ماب صدر
عظم انخست را بخطاب التفات امیر ملوکانه مخاطب
و مباحی فرمودند و در باب محسنات سرسلطانی
فرمایش علیه رفت که القدر قشون در چمن سلطانی
با نظم تمام جمیع شدند و مشق کلمه آنها مطبوع
ملوکانه افتاد و کمال انظام را داشت و صدای
اهدی بیرون سیاه و با شدت ناخوشی و با کمال
توانستند تا مراجعت موکب های یون از جای خود
حرکت نمایند

عالیجاه جلالت و نبالت سمره طاسین ضا
شارژ و فیر دولت بهیه انگلیس که با صاحب منصبان
و اجزای سفارتخانه حسب الوعد به موکب های یون
اعلیحضرت پادشاهی بچمن سلطانی رفته بودند
در روز شنبه بیست و هفتم ماه گذشته مراجعت نمودند

دور نزدیکی قریه قلک که چادر زده بود منزل کرد
 نظر بحسن خدمات و تحمل زحمات مقرب انخافان حاجب
 که در این سفر خیریت اثر سلطانیه متحمل شده و خوب از
 عهد خدمتگذاری برآمده بود لهذا اعلیحضرت قوی
 پادشاهی یک ثوب کلیمه تن پوش مبارک برایش
 خلعت مرحمت فرمودند

ناخوشی و باخاشچه در روزنامه های گذشته نوشته شده
 حال جذبت که بعد از داراخلاق و طهران بجای رفیع کرد
 مطلقاً ظهوری ندارد و درین ایام ناخوشی بعضی اشخاص در طب
 زیت شده بودند بسیار بکار خلق از نظام غیر نظام و
 ورعیت آمده و خیلی مردم را معالجه کرده اند از جمله میرزا محمد
 بزرگ حوم میرزا احمطیب تنگابنی از وزارت تصدیق مقرب انخافان
 مصطفی قلیخان میرنجه و عالیجا محمودخان کلانتر و صبا
 رضائی که آنها را ادا و کرده جمعی کثیر از نظام و سایر خلق
 به او او معالجه او صحت یافته و خوب شده اند

از کارهای عالیجاه دکتر لولاک معلم علم طب و جراحی که در
 گذشته اجمالاً اشغالی شده بود درین اوقات کارهای
 دیگر سوای بیرون آوردن سنگ مثانه در عمل جراحی که عمل
 بی بی طب است نموده از جمله دفعه در اما سن بیضیه که
 رطوبت در کیم بیضه رتجه و باعث ورم شدیده بود
 و در تب خود و دیگر تبها کرد او میرزا رضا عمل دیده نموده اند
 عمل بی در انقلاب جنین که عبارت است از برکنش یک جسم
 و سائیدن مژگان چشم نموده و یکبار نیز در شرطه که عبارت
 از غلظت جنین است و سه بار و قطع لوزین که عبارت از
 ورم دو بادامه حلق است که گاهی ورم آنها باعث درد

شدید و گاهی مسم باعث خفه شدن میشود عمل به نموده و
 و بریده است و یکبار در خم نمودن و سحرکت آوردن دست
 که از زخم شمشیر و کلوا خشک شده بود عمل دیده نموده باین طور که
 دست را از پانین مرقق شکسته و بندی که در مرقق است در
 شکسته قرار داده که دست در گرفت و یکبار بردن هر چیزی
 اول که صحیح بود شده و یکبار رسم درو تر عرقوب که عبارت
 از پی پاست که کشیده شده بود و بواسطه او پاکج شده و
 نمی توانست راه برود از زیر جلد برید و پا خوب شده است
 و سایر اعمال جزئی که روز بروز نموده لزوم ندارد که نوشته
 و برای آنکه شاگردان طبابت را خوب بیاموزد هر روز میرزا
 در دارالفنون آمده شاگردان امتحان نموده و نسخه بنجیده
 نوشته شده و محکم دو اساز فوکتی صاحب دو امید

عالیجاه موسیو کرشمیس معلم علم توپخانه در روزنامه گذشته
 نوشته شده بود که در شیران منزل نموده و از آمدن بشهر
 داشت اینمغنی چشم این میشد که مشارالیه از خدمت محوله بخود
 عقلت داشته باشد و حال اینکه هفت ماه روز بشهر آمد
 و در مدرسه دارالفنون باشا گردان خود و شاگردان
 درس هندسه مشغول تعلیم و تعلم بوده و از وزارت نوشته
 مقرب انخافان محمدخان میرنجه مشارالیه در هفت روز
 که در دارالفنون می آمد دو سالی ایام سابق اوقات صرف
 تعلیم شاگردان خود و شاگردان درس هندسه میکرد
 که تلافی سایر ایام هفت ماه را کرده باشد

زرگرا سلامبولی که در صنعت زرگری قابل و ماهر است
 درین اوقات با لبط بسیار خوب که اینها ساخته بود

و در روز عید غدیر در چمن سلطانیه کهنه مبارک
اعلیحضرت پادشاهی آورده و بسیار مطبوع و
سختن خاطر ملوکانه افتاده و بصلح بیت و پنجاه
تومان قیمت شده بحسب اشاره العلیه

سایر ولایات

آذربایجان نواب سلطان شایزاده و الای
حتمه الدوله صاحب اختیار مملکت آذربایجان که
با اعیان و اشراف و که خدایان تبریز برکاب مبارک
در چمن سلطانیه آمده بودند از جانب سنی اجواب
اعلیحضرت پادشاهی کمال مرحمت در باره نواب
معزی الیه و همچنین در باره هر یک از الای آن مملکت
مبذول افتاده نواب معزی الیه سخته انجام کاره
متعلقه بان مملکت تا قزوین در رکاب مبارک بوده
و از آنجا مرخصی حاصل نموده معاودت با آذربایجان
کرده اند و مطالبی که نواب معزی الیه با ولیای دوله
علیه اظهار داشته بودند چون یکی از روی خبر خوا
دولت و آبادی مملکت و آسودگی رعیت بود او ای
دولت علیه با عرض خاکیهای هایون پذیرفته از جمله چون
بعض خاکیهای هایون رسید که جماعت شعرباف
تبریز بسیار شکسته و پریشان شده اند بحسب الای
مبلغ پانصد تومان در جزو تخفیفات آذربایجان با
آنها تخفیف منظور و حرم شده

عالیجاه میرزا احمد خان پسر مرحوم میرزا تقی خان که چمن
آمده شرفیاب خاکیهای هایون شده در دوسه مرتبه که

شرفیابی حاصل نموده اظهار محبت ملوکانه در حق او فرموده اند
و از خاکپای مبارک حضرت اشراف حاصل نموده با آذربایجان
رفته است

نظر باینکه از بی انتظامی بعضی باشترین آذربایجان امور آن مملکت
منظور و مکنه از لایای دولت علیه بود و منقسم و مضبوط شود لای
اعلیحضرت پادشاهی چند نفر از آنها را بدینجهت تعیین داده است
مقصود را برقرار فرمودند

مقرب الخاقان قوام الدوله که متوجه شغل رسیدگی مالیات و معاللات
آذربایجان بود برکاب هایون آمده عالیجاه میرزا حسین
بشغل سررشته داری و امستیفاء آذربایجان سرافراز گردید
و فرمان مبارک صادر و خلعت باو حرم

عالیجاه میرزا مصطفی میا شرمهام خارج را احضار برکاب
فرمودند و عالیجاه مقرب المحضه العلیه حاجی میرزا محمد خان
نایب اول وزارت دول خارج بلقب دبیر مسام خارج
سرافراز شده در جای او مأمور گردید و فرمان مبارک و
خلعت باو مرحمت گردید و از قزوین در خدمت نواب
حتمه الدوله روانه آذربایجان کرد

عالیجاه قمبر علیخان که دیوان بسکی و حاکم شهر تبریز بود
برکاب هایون شده عالیجاه احمد خان نالی که دیوان
اردوی هایون بود در جای او برقرار و مأمور روانه

عالیجاه کلب حسین خان نایب اول اجودان باشی چون مرتب
منتش بعض حضور مبارک رسید از طریق سلوک و عموم اهل آذربایجان
رضامندی داشتند لذا او را بلقب امین نظامی ملقب
فرمود و فرمان هایون خلعت در باره او حرم شده

۸۷۵

اصفهان

از قرائیکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند
چون در روز بیت هشتم سوال پارسال طایفه
ضالیه بایه خواستند بوجو مبارک علی حضرت
پادشاهی العیاذ بالله استیسی برسانند و بجهت
تعالی تقدیر خداوندی تدبیر آنها را باطل نموده و سزا
عمل خود گرفتار گردیدند فی الحقیقه امروز برای کل ایالت
این دولت علیه عید بزرگ بود و سلامتی وجود مبارک
شادمانیها نموده و احسانها بشکرانه این دولت
بفقرا و مساکین کردند لهذا عالیجاه چو اعلیحان پادشاه

اصفهان و امالی شهر از علما و فضلا اس سال اسم
بشکرانه وجود معبود مبارک روز بیت هشتم ماه
سوال رابعه گرفته و در آن شب و روز خوش و چراغانی
کرده بوده اند

فارس

نواب شاهزاده و الایثار موید الدوله طاب میرزا
حکمران مملکت فارس در روز دهم ماه ذیحجه
وارد باغ نوشیر از گردیده و از آنجا عریضه و مشکس
بجاکپای هایون بصحابت لفرالد بیک پیشینست
خود فرستاده بودند و بجهت الله از زمین توجیه اولیا
و و تعلیه امور آن صفحات کمال نظام دار

کابلان

مقرب انخافان عینی خان حاکم کابلان که با اعیان
و اشراف آنجا بچمن سلطانیه آمد شرفیاب خاکپا
مبارک گردیده بودند و در خور هر یک خلف حمت

گردیده تا قزوین اسم مقرر کتاب هایون شده
و از آنجا مرخصی حاصل نموده معاودت بقوه حکومت
خود کرده اند

کرمان و یزو

از قرائیکه نوشته بودند از حسن مراقبت و اهتمام
امیر الامرا العظام محمد حسن خان سردار حکمران یزو
و کرمان امراتو لایات منظم و مطبوعه است و
درین روزها پیشکشی از قبیل وجه نقد و چند طاقه
کرمانی بسیار اعلی بجا پاری بجاکپای هایون فرستاده
بود که از نظر اقدس ملوکانه گذشته موقع قبول

استخانیات

کرمانشاهان

از قرائیکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند
این اوقات نواب عماد الدوله امامقلی میرزا حکمران
کرمانشاهان در قضیه مستقر بوده و مراجعت بشهر
کرده است و امالی شهرالی یک فرسخ از نواب مغربی
استقبال کرده اند و عالیجاه عباسقلیحان میرزا
با فوج بزرگ خود فوج زنکنه وارد شهر شده اند و بپیر
زنکنه از شهر مرخصی حاصل کرده بجا و مکان خود فرستاده
و نواب امیرزاده علیقلی میرزا اسم که سر باز کلبانی را
در چمن سلطانیه برکاب هایون آورده معاودت
کرده بود این اوقات وارد کرمانشاهان گردیده اند

و نواب عماد الدوله در انتظام امر امالی شهر و
و آسودگی رعیت کمال اهتمام را مرعی داشته
از حسن قیام خود امالی آنجا را شاگرد عاگری دولت علیه

احرار دول خارجه

انگلیس تاریخ کاغذ آخر که ازین ولایت سید
دوازدهم ذی قعدة بود مشورتخانه و کلای رعایا
خواین باز در پای تخت بودند اما بنا داشتند که
در یوم شنبه چهارم ذی قعدة ماه مزبور در جشن خانیه

در شهر لندن درین روزها اتفاق غریب افتاده است
مردی که اهل این شهر در کالک است که گرامیکند
بطوریکه در هر یک از بزرگ در میان شهر خند عاده

این کالکها نگاه داشته اند و هر کس که بخوابد
میدهند و چونکه این کالکها و او ان اند و شب در
در میان کوچهاستند که هر کس در هر دقیقه که بخوابد
حاضرند و خربشان جزنی است بسیار کم کسی برای

خود اسب یا کالک نگاه میدارد کرد و تمدان و
کاسب و کالک از خود دارند درین روزها در
واری گذاشته بودند که ابرت این کالکها را کثیر

صاحبان کالکها باین معنی راضی شده و با
اتفاق کرده بگرد میان خود قدغن نمودند و هیچ کس
بیرون نیامدند بسیاری از اهل شهر که عادت

کالک سوار شدن داشتند پیاده ماندند و معطلی
زیاد بجهت سیاحان و سایر مردم حاصل شد
که براه آهن و کالک بخاری سفر می کنند سر این راهها

بیرون شهر لندن است و کسیکه میخواهد از خانه
خود شتر براه آهن برود که کالک بخاری سوار شده
سفر کند باید ازین کالکها سوار بشود و بار جزئی

که همراه دارد درین کالکها بگذارد و در آن روز چونکه
ازین کالکها هیچ در کوهها نبود معطلی مردم بسیار شد
و همچنین مردمی که از اطراف ولایات با کالکها
بپای تخت آمده بودند و قتی که براه آن راه رسیدند
کالکها که عکسها هستند که بتازل شهر بروند خود
از آن راه که در هر دو ساعت بدو ساعت کالکها
چرخهای بخاری که مردم زیاد بولایت می آورند معطل
یکدیگر رسیدند خلق زیاد جمع شده بودند و بارها
زیاد در روی سیم بخت بود

کشتیهای جنگی دولت انگلیس را درین روزها نزدیک
کنار آن مملکت بجهت مشق در دریا جمع کرده بودند و
شش فرو کشتی بود و ده هزار و دو سیت و مقادیر
نقشون در میان شان بود و یک هزار و هشتاد و شش

توپ داشتند و علیا حضرت پادشاه انگلیس
کاشای مشق قشون سحری با بخاری رفته بود و از جمله
عمده که همراه پادشاه بودند لگران دوشس الکه دختر

اعلیحضرت امپراطور روس و پرنس و ارمیورع شوهر
و ولیعهد پادشاه بلژیک و دوک و نور و پرنس و
روانویل و لگانت و پیری پیران لوی قلب پادشاه

سابق فران و نوه او بودند و بلجیان دول خارجه
مقیم لندن سیم در کشتیهای دیگر نشسته بجهت تماشا
مشق با بخاری آمده بودند و بسیاری از خوانین انگلیس

مشورتخانه نیز در کشتیهای دیگر در آنجا حاضر شده بودند
و از اهل شهر لندن هم مردم زیاد بشهر پورتنس
که در آن نزدیک واقع است بجهت تماشای مشق قشون

مربور و جمعیت خلق در آن شهر چنین زیاد شد بود
که بسیاری از خلق منزل پیدا کرده و در کوچه شب را
بسر برده بودند

ایلیچی فرانسه مقیم شهر لندن در روز عید امپراطور فرانسه
صیافت سنگین بر پا نموده بود و ایلیچیان دولت فرانسه
و وزیرای پادشاه انگلیس بسیاری از خوانین شهر
لندن را در آن مهمانی طلبیده بود و اول سلامتی
امپراطور فرانسه و پادشاه انگلیس دوره نموده
بودند و بعد از آن سلامتی کل پادشاهان دولت که
ایلیچیان آنها در آن مهمانی حضور داشته

فرانس

در روزنامه فرانسه نوشته اند بتاریخ ششم
که کمرک غله را که از خارج می آوردند بحکم امپراطور
با الماره برداشتند از آن تاریخ تا اول زمستان
اینده بعد از آن باز دیوانیان صلاح خلق و دولت
ملاحظه خواهند کرد که دوباره این قرار را بگذارند یا نه
و بجهت اطلاع تجار و کل خلق این مطلب را در روزنامه
دولتی چاپ زده اند چونکه تجارت مملکت فرانسه
حال بسیار فراوان است و کشتیهای تجاری همه
مشغول آوردن مال از دول خارج میباشند کفایت
آوردن غله از خارج بولایت فرانسه نمیکنند تا بحال
وقتیکه غله در کشتی دیگر که مال فرانسه نبود با نولایه
می آورند کمرک جزئی میگردند حال این کمرک را
برداشته اند و در روزنامه فرانسه بتاریخ دهم
ذیقعه نوشته اند که معلوم شد که حاصل غله این سال

نسبت با الهای سابق کم شده بوده است و در
برداشتن کمرک از غله کو یا منظور دولت این باشد
که رفع احتیاج خلق بشود که اگر حاصل خود فرانسه کم
چونکه کمرک برداشته شده است از خارج بسیار
باید که در قیمت خندان ترقی کند و متعال پیش
ازین در مملکت فرانسه بسیار گرانی شده بود
و مردم تشویش داشتند که امسال نیز چون غله کم آمده
الطور گرانی بشود و لکن موافق حسابی که کرده اند چنین
شد چونکه اگر از کدوم بعضی جو ببات دیگر کم آمده است
چون بعضی غله جات دیگر حاصل خوب داده است و
رزت هم که در سمت جنوب فرانسه میکارند

حاصل بسیار خوب داده است در بعضی بلوکات
فرانس از غله در سمت مغربش و بعضی جاها در سمت
شمالش حاصلشان خوب آمده است آنجا که حاصل
کم بعلل آمده است نزدیک پای تخت است اما با وقت
حساب کرده اند و گمان ندارند که بجهت کم آمدن غله
و عسرت بکشند

بلی از مشایخ عرب که بوغریزین غانه اسم دارد و
بزرگ قبیله است که نزدیک شهر قسطنطنین اند
بشهر پاریس بخدمت امپراطور فرانسه آمده است
همراه چند نفر از بزرگان اعراب آن سمت چونکه درین
روز عید امپراطور فرانسه بود و امپراطور مشایخ
شان اول لزان دایر داده و بسیار التفات و
محبت با و همسرانش کرده بود و این طایفه همیشه دولت
فرانسه خوب خدمت کرده اند و در جواب گفتگوی

النفات امیر امیر الطور که بشیخ مزبور کرده بود مشارالیه خدمت امیر الطور عرض کرده بود که این نشان و افتخارات که از پادشاه دیدم باعث این می شود که خود را در وظایف امیر بیشتر از پیشتر بدولت فرانسه خدمت یکنیم و متیکه داخل امارت پادشاه شدم لمرشل ولت که مراد در جزیره العرب دیده بود وقتیکه ترازو یک قنطنین دیدم لست سیاه بودم کفتم علی در خدمت دولت فرانسه ریش خود را سفید کردم و از خدمات گذشته من خاطر جمعی از پادشاه امیر الطور حاصل خواهم شد که بعد از این چگونه خدمت خواهم کرد

عمل غریبه کرده بودند یک تماشای آتش دادند و چون شکل امیر الطور نمایان بود در شب پیش از حرکت و یک تماشای دیگر رسم شکل عقاب بود که تاج در دست داشت و در زیر تاج حرف ن نوشته بودند که علامت نمایان بود یکی دیگر حک در مانی بود که کشتی که اسم او نمایان بود بد کشتی دیگر جنبیده بود پ با نهابته و هر دو کشتی آتش گرفته و هوا از آتش چو کشتی هم که در دریا آتش میگیرد وقتیکه آتش با نبار بار و طاد برسد آتش گرفته هوا بلند میشود از تماشای این رسم کوزه آتش بازی بسیار خوب و شادمانی کرده بودند و در خصوص این عید در روز نهم

پانزدهم ماه آوط بتاریخ فرانسه که مطابق روز دوشنبه نهم ذی قعد میشود عید امیر الطور فرانس بود و با کمال شکوه و زینت و اساس در پاریس پایتخت فرانسه این عید را گرفتند بسیاری از اهل شهر بیرون رفته بودند که تماشای مشق قشون بکنند خصوصاً در میدان شامپده مرز و تماشای خانها کشوده اند و در جای جای نزدیک و موز و کاپنجان موز و کان می تو اخذ و حشلی عیش و شادی تمام میکردند پاریس پایتخت فرانسه مشهور کل عالم است بجهت زینت و آراستگی و عیش اهل آنجا و درین روزها اسباب و اوضاع عیش و جشن را بطور خوب بر پا کرده اند چهار ساعت بعد از ظهر اعلیحضرت امیر الطور فرانس با زوجه خود کالکه سوار شده و دور شهر گردش میکردند که تماشای عیش مردم را بکنند و در اثنا

مانیتیر که روزنامه دولتی فرانسه است نوشته اند مقصد هزار فرانک پول فرانسه که تخمیناً مقدار نومان پول ایران میباشد اخراجات شده بود و نصف این مبلغ را دولت داده بود و نصف دیگر را اهل شهر و این پول ششاد هزار فرانک که شش هزار نومان پول ایران باشد در میان فقر تقسیم کرده بودند و با وجود این عیش و کثرت و ازدحام زیاد صدمه و ضرری کسی وارد نیامده بود و در همه جای کمال نظم گذشته بود و در وقت ظهر همان روز امیر الطور فرانس بسلام نشست و از اقوام خودش و امنای دولت فرانسه همه در آنجا حاضر بودند و هر یک دسته بسته بقاعده خودشان امیر الطور مبارکباد گفتند و از آنجا امیر الطور و کل امنای دولت فرانسه بکلیا فرستاده و غایب شدند این عید را بقاعده که

وینهارک

معمول انولایت است خوانند بعد امپراطور سپردن
 و باز با طاق سلام فرستند و ایچیان دول خارجه
 مقیم شهر پاریس بحضور امپراطور آمدند و از جانب
 ایچی انگلیس پیش آمده و با امپراطور تهنیت مبارکباد
 گفت و امپراطور دست ایچی انگلیس را گرفته و گفته
 بود که از دیدن کل ایچیان که امروز بحضور من آمدند
 بسیار خورسند کردیم و یک سبب شادی
 این است که در کل فرنگستان صلح است امید
 دارم که این صلح و امنیت همیشه برقرار باشد
 شش ماهه رسم امپراطور جمعی از اقوام خود و اینها
 دولت فرانسه را بهمانی طلبید بود

تاریخ کاغذ آخر که از پاریس پای تخت فرستاد
 روز شنبه چهارم دسم ز بقعه بود و اخباری که مناسبت
 بروزنامه داشت آنها بود که نوشته

استریه

در روزنامه وینه پای تخت استریه نوشته اند که
 دختری از نسله امپراطور استریه که نامزد پسر شاه
 بلژ بود درین روزها در پای تخت وینه اورا عقد
 بودند و بنا بود که بعد از چندی روانه مملکت بلژ شود
 ولیکن پسر پادشاه بلژ که ولیعهد او و شوهر دختر
 مزبور است در وینه نبود بقاعده که دارند در عیال
 ولیعهد مزبور دختر را عقد بریده و از آنجا روانه
 بلژ میباشند و کلیسای پای تخت وینه را بجهت این عرو
 آرایش تمام داده بودند و این عروسی را با کمال هیبت
 و اساس بر پا کرده بودند

تا خوشی و با در شهر کوپن تا کن پای تخت این مملکت
 شدت داشت جمعیت این پای تخت را صد هزار
 کس میمانند و ازین صد هزار نفر تا بحال چهارم
 نفر نمانده اند و سبب آنها برور کرده است و در یک روز صد
 نفر و در دوقوت شده اند و تاریخ کاغذ آخر که
 این ولایت آمد است بیت و چهارم ماه شوال
 و یکروز پیش از آن صد و بیست و سه نفر ازین شهر

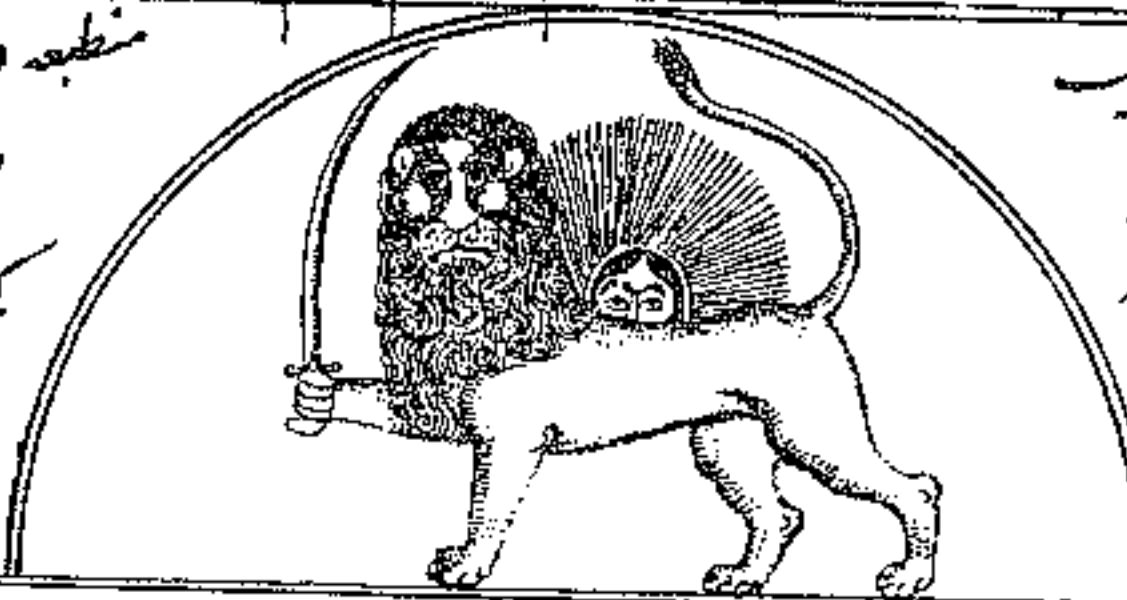
مردم بودند

سوئیس

کفکوتی مابین این دولت کوچک با دولت استریه
 باز در میان است و تکلیف دولت استریه را هیچ
 قبول نکرده بودند یکی از مخالفین دولت استریه
 سوئیس این بود که بشیشانی که از انولایت اخراج کرده
 بودند مواجی برقرار میکنند که گذران داشته باشند
 خلق خیال میکردند که دولت خودشان این تکلیف را
 قبول خواهند نمود و بسیار ناراضی بودند و کم مانده بود
 که دوباره اغتشاش شود اما دولت تکلیف استریه
 قبول کردند و در هر سبب استادی کی سخن کرده اند
 از اکثر دول رومی زمین روزنامه رسیده است و لیکن در روز
 این همه کنجایش داشت در بنقه آینده نوشته میشود

روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ یوم خورشیدیه محرم ماه محرم الحرام مطابق سال اوسیل ۱۲۷۰

مزه صد و چهار و یک
وقت روزنامه
یک تنه شاکله
وقایع چهار سوار



منطبه دارانخلاف طهران
قیمت اعلانات
یک سطر الاجبار سطر اول
شش سطر سطر آخر

اخبار واحدا ملک محروسه پادشاهی

دارانخلاف طهران

در روز هفتم اینماه اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی
به تکیه میدان ارک شریف فرمادند و از آنجا به
عمارت اندرونی موطن السلطان نظام الملک
بروند و شمار را در آنجا میل فرموده به تکیه دولت
شریف فرمادند

این ایام که ایام تقریه داری جناب سید الشهدا
علیه السلام است در تکیه دولت اوضاع تقریه دار
بطور شایسته برپا شده جمیع اطرافهای سخنانی و
فوقانی آنرا از شال ترمه و بلور آلات لاله و مرو
و غیره زیفت داده اند و بسیار باشکوه و خوب
بسته شده و چهار طارک تکیه را از اسباب چراغ
و بلور آلات ملوک کرده بطور خوب بسته اند و شبها که
چراغها را روشن می کنند تکیه مزبور به بگونگی شکوه
و بکر دارد و اعلیحضرت پادشاهی هر روز به تکیه
شریف می اورند

و پنجمین درین ایام عاشورا و سنگام تقریه داری

جناب سید الشهدا علیه الاف التحنه و لهنا
عموم خلق دارانخلاف طهران از وضع و شریف حمیتا
در نکایا و مساجد و مجالس بتقریه داری و روضه
خوانی و حصول دعا کونی بجهت ذات احدس تایون
اعلیحضرت پادشاهی مشغول میباشد و جمیع
تکابیرا با زینت تمام آراسته اند و چنانچه مشغول
متداول این دولت علیات روزها و شبها را
خلق از بزرگ و کوچک مشغول تقریه داری جناب
سید الشهدا علیه السلام میباشد

چون مقرب انخاقان میرزا محمد خان سرکشکیچی
درین سفر خیریت اثر سلطانیه خاطر اقدس
از حسن تمام در خدمات مرجوعه بخود راضی و خور
و آشته بود لهذا محض ظهور جسم ملوکانه در باره
مشارالیه در روز و روز و دو کب تایون به دارانخلاف
مبارک طهران یک نوب کلچو ز تروی تن پوشن مبارک
بشارالیه حیرت فرموده

لبضی از اولایات خراسان مثل مرو و خراسان

دور دستی از شهر مشهد و کلمه سلطی حکام و ولایت
 سابق اغلب اوقات غیر منظم بودند و گاهی بنیای
 خود سری میگرداشتند و ایامی دولت علیه ایران هم
 با قضای اوقات در صد نظم آنها بر می آمدند چنانکه
 در عهد هر یک از سلاطین سلف انار آمدند بزرگوار
 معمول بوده است مشهور تر و نزدیکتر از همه که در سال
 نواب غفران نایب السلطنه مبرور است که فوجها
 ایشان در مملکت خراسان باقتسام معروف شد
 و نظم و استیلاي خراس و مرور از جمله آنها معدوم شد
 در او اخر دولت شاه مبرور اگر چه بواسطه دست انداز
 دشمنیک و اغوای اور کجی و قرآنی که در خراسان
 افتاد باز احتیالی در انتظام سابق آن صفحات سپید
 ولی درین عهد جایون از توجهات نظار مهرانا ملوک
 و فرط استقام اولیای دولت جاوید شاه سبب
 خود سری و بی نظمی اولیای اندک اندک رفع شد
 و خود مروی و سیرتی هم قدر عاقبت راد است
 سیک لوگری و سیرتی دولت علیه را طغ شده از
 در بحال اطاعت و انقیاد در آمدند زیرا که تجربه معلوم کرد
 بودند که دولت علیه همه وقت رفاه و آسایش آنها را
 که رعیت و نوکر قدیم بوده و مستند طالب شده و بر
 این از مخالفت و خود سری با دولت و موافقت با خوار
 بخر خرابی و نا امنی هیچ نتیجه بر نداشتند از هم چنانکه
 مقدمه لشکر کشی بیجان اوزبک از بخارا بر سر قله مرو
 و کشته شدن مرحوم میر امعلیخان قاجار از دالو خاک
 بخا و فرار و در پد ریهای مرحوم حاجی محمد حسینیان

با مرحوم میرزا صادق و قاجار خود عظیم از خاقان
 مبرور فتح علی شاه انار آمد بر نامه بر دهنه آن مرحوم
 و عموم مروی تعلق یافت اولاً مرحوم حاجی محمد حسینیان
 و میرزا صادق هر یک علی قدر مرتبه در نوگری حضرت
 خاقانی بدرجات عالی رسیدند تا نیا نواب
 والا تبار حاجی محمد ولی میرزا ولی اسبق خراسان
 بر حسب استعدای کل زوسای مروی که بسند
 آمده از تعقیبات اوزبک شکایت کردند از جانب
 خاقان مخفور باسی هزار قشون خراسانی و سایر
 شده بدو رفت و بعد از جنگ عظیم و کشتن قریب
 سه هزار نفر از مخالفین و گرفتن مدیجان سردار
 چهار هزار خانوار مروی را که چاند به شهر مشهد
 جای داد و محمد کریمخان برادر حاجی محمد حسین خان مروی
 بر آنها رئیس گماشت و با قصد نفر از آنها را شرف
 نوگری دولت علیه در آورد که الان هم خانوار مروی
 در مشهد و همه بلوکات خراسان توطن دارند از آنجا
 دولت پاس حفظ ملک و رعیت خود را فرمودند
 این روز نامه حکم صادر فرمود که قلعه مضبوطی در مرو
 بقدر ضرورت ساختن و قشونی در آنجا گذارند تا هر
 از نظا ولات خوارزمی اذیت و خرابی با آنها نباشد
 و در سایه دولت آسوده باشند و کذک چون خود
 ملک خوارزم هم که همه جا در این طرف آن همچون
 واقع شده بحکم بدیه کتب جغرافیا و تواریخ قدیمه
 بلاخرف داخل خاک دولت علیه ایران است و این
 خود سرهای خوارزمی همواره و حیوانی خصوصاً شمشیر دارد

لکه اینکه در ازمنه قمرات سابقه دولت ایران در صحنه
جستیه اند نهاد دولت علیه منظور از هسم دارد که
بدریج ملک خود را تصرف نماید و قلعه در بهر حال لازم
باشد ساخته ساخلو بنشاند تا رفع خود مسزهای
خوارزمی شود و مردم خراسان از غارت زدگی
و اسیری تراکمه و خوارزمی ایمن بوده بدعای دوم
دولت علیه پردازند

خلیفه نزهت عریضه مشربانها را عبودیت و خدمت دولت
نایدایت نوشته بود از جانب سستی بچوانب علیحضرت
شانشاهی نیز فرمان بیاون بسنی بر شمول اظهار رفت
و مرحمت در حق او صادر شده بکثوب جبهه ترمه بر
خلعت و سید تومان نقد انعام مرحمت شده از دربار
بیاون ارسال شد و نظر باینکه اسال خوارزمی محصول
وزراعات آنها را چراند بودند و در اینجا جبهه غله شکله
داشته حکم فرمودند که بکهر از خردار غله هسم بانها
بر بند که ازین رکذ را نایشی برای آنها حاصل شود

عالیجاهان بهادر خان پسر مرحوم عباسقلیخان دره تهرنی
و حسن خان سبزواری که با سواره در مرز مشغول خدمت
بودند نظر باینکه خوب از عهد خدمت محموله برآمده بودند
محض مرحمت یک کثوب جبهه ترمه کشمیری در حق بهادر خان
و بکثوب جبهه ترمه سلسله دار در حق حسن خان خلعت
مرحمت شده ارسال گردید

از اینجا که مراتب زیادتی مناجیح و قلعت داخل مقرب انخاقا
علیقلی خان پیرنجه در خراسان بعض خاکبای هایون بر
لهذا محض مرحمت بکهرار و پانصد تومان انعام در حق او مرحمت

فرمودند که هزار تومان آزا از بابت مالیات خراسان
حواله فرمودند و پانصد تومان هسم نقد از خزانه عامه سال
گردید

چون مرحوم عباسقلیخان جهان بکلو میرنجه در سلسطانیته
مرحوم شد لهذا افواج ثلاثه خراسانی را ابو اجمیع معرب انخاقا
علیقلی خان پیرنجه فرمودند که متوجه انتظام امور آنها بود
از قواعد نظام آنها را با سرشته سازد

از اینجا که عالیجا عسکر خان سرتیپ در سفر خراسان
خوب از عهد خدمت محموله برآمده خاصه در اسفایلیکه
از اینجا او را مامور کرده بودند بسیار با قاعده و نظام
حرکت و رفتار نمودند لهذا محض مرحمت سلسله
تومان در وجه او مرحمت شده وجه نقد از خزانه
عامه ارسال گردید

در روزنامه هفتگه گذشته در خصوص بکروج
اپالیط که زرکراسلا مبولی بجهه اعلیحضرت پادشاهی
ساخته بودند نوشته شده بود که سبب
تومان قیمت و بجهه اعلیحضرت پادشاهی
شد و این مطلب اشتباهاً نوشته شده بود
سکهای جواهرات که به اپالیط نصب است از
جواهرات خود اعلیحضرت پادشاهی بود
و بعد از اتمام آن به قیمت و چهار تومان
قیمت شده بود و ذکر مزبور در روز و ساختن

و خوب ساختن آن کمال مهارت و استادی
بعل آورده بود و مقبول و مستحسن خاطر مبارک اقبال
مشارا به مورد انعام و التفات ملوکانه گردید

اخبار دول خارج

انگلیس کا غزائے آخر کہ از مملکت انگلیس رسید روز
سومہ دویم ماه ذیحجه الحرام بود و نوشته بود
که علیا حضرت پادشاه انگلیس بشهر دبلین که پای
مملکت ایرلند است رفته بود که عمارت پلور را که در آنجا
برپا کرده اند افتتاح نماید

در نزدیکی شهر لندن درین اوقات کالکها هم
خورد و بسیاری از مردهم کشته و زخمی شده اند
حتی حاکم شهر لندن که در آنجا بود قدری زخمی شد

فرانس

موافق تاریخ آخر روزنامه اینولایت که در دویم ذیحجه
بود نوشته اند که اعلیحضرت امپراطور فرانس در
دیت که یکی از شهرهای کوچک مملکت فرانسه است بود
و وزیر جنگ و بعضی از وزرا هم با آنجا آمدند و
بنای توقف زیاد در آنجا داشتند

در شهر لیر که شهری بزرگ است در سمت شمال خراسان
جزئی از نقاشی در خصوص کرانی آذوقه شده بود و
مطلب را در روزنامهها اجمالاً نوشته اند و تفصیلاتش هنوز

رسیده است

عجم

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که عید قربانی امسال
چنانکه قاعده است در اسلامبول با کمال شکوه و جلالت
گرفته اند بلکه بیشتر از سالهای گذشته بوده است
و در عموماً اعلیحضرت سلطان که مسجد سلطان احمد میرفت
بسیاری از هر کجا که میفرستادند در طرفین راه

صف کشیده بودند هم بجهت حرمت دولت و هم
بجهت اینکه این زمین و آسمان را نشانانند

ایضا در همین روزنامهها نوشته اند که در مملکت یونان
تباخ بیت و چهارم ذیقعد زلزله سخت شده بود
و در شهر تیس که طبعش تیر میماند و سایر جاهای
آن اطراف خرابی زیاد رسیده است در اول زلزله

زمین حرکت کرده بود اما کم و بعد از دو روزه ثانی
زمین چنان سخت حرکت کرده بود که اکثر خانهای آن شهر
انداخته بود و از آن روز تا ماه روز دیگر هر روز زمین در
حرکت بود اگر چه حرکت سخت نبود و لکن چنان بود که
خلق نمیتوانستند مشغول تعمیر خانهها بشوند

ایطالی

در آن است اینولایت که در دست دولت اسپرینا
نوشته اند که در مثل ریتکی حاکم آن مملکت حکم نمود
و قدغن کرده بود که غله از ولایت بیرون نبرند و کم

جزئی که از غله که از خارج می آوردند داشت موقوف
کرده و برداشته است و آن غله که بشهر و بیرون شهر
بود و در کمک گذاشته بودند حکم کرده بود که بدون
آن کمک جزئی که میگردند به صاحبانشان روانانند

نبرد شدند و لکن در باب بیرون بردن غله ازین ولایت
قدغن اکید شده بود

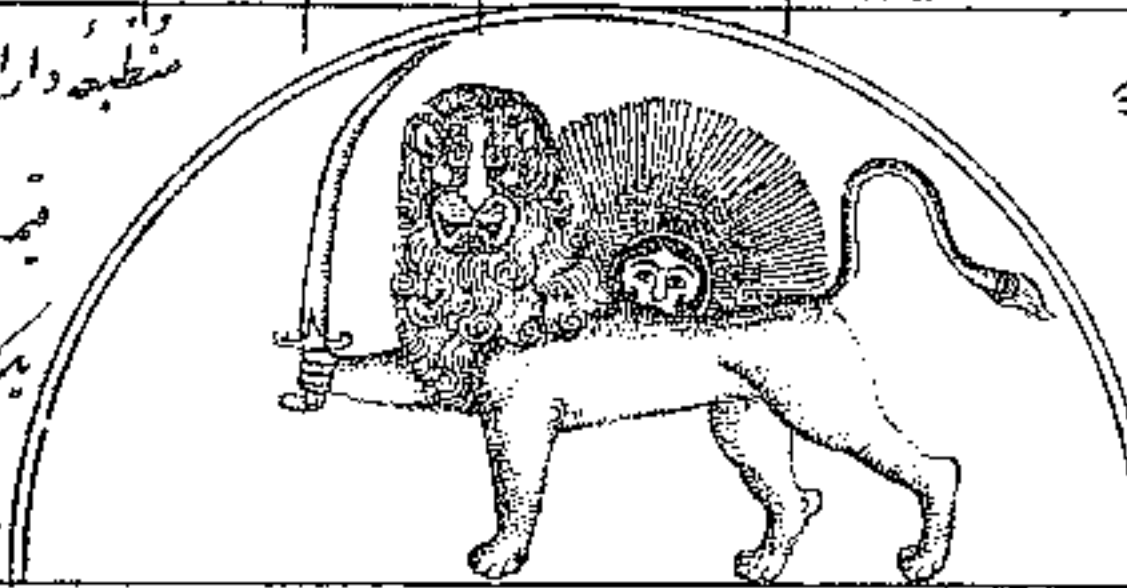
از ظالمین نوشته بودند که نه نفر از آن میخواستند در
انولایت افتادند و کشته شدند و حبس کرده بودند
کجا نداشتند که آنها نیز حسب تحریر یک خبری
این عمل را کرده باشند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه نهم ماه محرم سن ۱۲۷۰

نزد صد و چهار

منظومه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات
یک خط چهار خط یکروزه
بیشتر با هر خط



قیمت روزنامه
یک نسخه شش ماهه
هفت و چهار

اخبار واحسانه مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

تکیه دولت که حسب الامر دیوان همه ساله بسته میشود در
جمع ممالک اینطور تکیه نیست و باین زینت بسته نشد
از جمله زینت او یکی اسباب چراغ آبخاست که در
هر شبی زیاده از پنجاه چراغ در میان لاله در درون
چهل چراغ در آنجا سوخته میشود و درین ایام در همه عا
بقا نونی که معمول و متداول این دولت علیه است در
اکثر کجاها و مجالس و ساجده مردم شب و روز مشغول
تقریه داری جناب آبا عبد الله حسین علیه السلام بودند
در روز عاشورا که از جمیع محلات دست و علم و سینه
به تکیه دولت آمده و از ازدحام و جمعیت تقریه دارا
رفت غریبی شده و جمیع مردم از اعلی و اوالی
مشغول تقریه داری گردیدند و اعلی حضرت پادشاهی
به تکیه دولت تشریف فرما گردیدند و دستجات تقریه دارا
چال حصار و عودالاجان و سایر محلات با نظم و ترتیب
سجده مبارک آمدند و بغیر از صدای گریه و تقریه داری

دیگر صدائی از کسی بلند نمی شد و چنانچه در ازمنه سابقه
در این اوقات تقریه داری بعضی الواط و اشترار مرتب
دعا و شجارت می شدند بجهت الله درین اوان اینست
از اتهامات اولیای دولت علیه این قاعده کلی متروک
گردیده است و بسبب مستحفظ و نظام قراولخانه
کلا نرو که خدا بان الواط و اشترار را هیچ وجه مجال هرزگی
شربت شده و بنده مردم بر اسم تقریه داری
حصول دعا گونی بجهت امانت پادشاهی مشغول بودند

چون در ایام دینه عاشورا مردم در راه جناب سید شهید
بفقر و خستگان و مساکین اطعام و احسان می کنند غالباً
درین ایام اجناس با کولات ترشی بهر مساکین و کرا
عید و لکن اسباب سبب فراوانی آذوقه و حصول
امیت هر چیزی کمال وفور و ارزانی را داشت و همه اجناس
ارزان و فراوانست و سقیم اجناس با کولات و غیره
دارالخلافه طهران در صفت آینده درین روزها
نوشته خواهد شد

چون نواب مستطاب شانهزاده و الایثار مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران در انتظام امر ولایت و انجام حوائج دیوانی اهتمام نموده و نوکر مازندرانی را با بیهوده و تکلف رفود و خوب روانه در بارهای آن نموده بود و نهایت نواب معزی الیه مقبول و مستحسن خاطر اقدس بایون

درین اوقات یک کلبه طلبوس تن مبارک بر آید خلعت بجهت مزید مغایرت و مباحات نواب معزی الیه مرصحت و ارسال گردید

نواب مستطاب شانهزاده و الایثار مؤید الدوله طهارت حکمران مملکت فارس در نظم ولایت و رفود روانه کردن فقط مالیات مراتب امتحانات خود را مشهود خاطر اقدس ملوکانه داشته بود لکن درین اوقات محض ظهور در رسم خسروانی در باره نواب معزی الیه کتب کلبه از طلبوس تن مبارک با عازر و افتخار ایشان مرصحت و ارسال گردید

این اوقات بلاخطه امینکه میرزا بابا برادر عالیجاه میرزا موسی پیکار خراسان در ارض اقدس مرحوم شده بود یک کلبه حبیب زما از جانب سنی ابجوانب اعلیحضرت پادشاهی بر آید خلعت بافتخار عالیجاه مشار الیه مرصحت و ارسال شد

چون درین اوقات هوای فصر قاجار خوب و تفریح باغ و عمارت آنجا مطبوع و مستحسن خاطر اقدس بایون اعلیحضرت پادشاهی افتاده و مایل گردید که چند روز در آنجا توقف و تفریح فرماید لکن

در روز چهارشنبه پانزدهم اینجاه از عمارت ایک مبارکه سلطانی که مقرر سلطنت عظمی است حرکت فرموده و باللوکه و الاحبال بقصر قاجار تشریف فرما گردیده و در آنجا توقف فرمودند

امور استثنوی

یکه از نفر سواره کرد و ترک مازندران که درین اوقات بر کباب مبارک احضار شده بودند در روز شنبه چهاردهم اینجاه امیر الامراء العظام سرور اکمل عساکره قاهره بنگارستان رفتند و سواران خواسته در حضور لشکر نوبیان بسان انشاء کرده همه سوار با کمال آراستگی و اسب سلحیه شایسته از سان گذشتند و مرخص گشتند

چون فوج خواجوند و عبد الملکی از دربار مرصحت شدند که در سبک سواره برقرار گردیدند و بر اولیای دولت قاهره محقق شد که در خدمت سوار می گسترگار خدمت و جان نشانی می آیند لهذا انهار از شرباری اخراج کرده و در سبک سوار مشک و برقرار فرمودند

سایر ولایات

اثر بایجان این ولایت درین وقت اخباری رسیده است که در روزنامه نوشته شود و اسم چنین ایزد اصفهان و سایر ولایات عراق نیز درین وقت اخباری نبود که در روزنامه نوشته شود و ارالمز

مازندران

از قراریکه در روزنامه مازندران نوشته بودند در این
و پنج احکام سبب انقلاب هوا و کثرت بارندگی ناخوشی
معروف بازرگانی شرعی خسته بود و کرده است

از قراریکه نوشته بودند نواب شاهزاده مصطفی قوام میرزا
اوقات از شهر ساری بست علیا و شبرگاه رفته
در آنجا توقف نموده و جمیع خواین که نوکران خوب

ساخته بودند خلعت داده اند
دیگر نوشته بودند که یک نفر از رعایای آنرا از کار
مازندران شب را صحیحاً و سالمی بخانه خود رفته بود و
سابقه بودند در مقام تفحص برآمده و در میان چاه میقتول
دید و بودند مراتب بعضی نواب شاهزاده رسید بود

قریه مزبور را برای تحقیق این مطلب احضار کرده بودند
زوجه مقتول اسناد قتل را شخصی که شب بخانه شوهرش
آمده بوده است داده بود که شوهرم در مقام دفع او برآ

و او شوهرم را بقتل رساند دست شخص مزبور جواب داد
بود که مباشر و مقصدی قتل خود این ضعیفه است و بر من
و افترا میزند بجهت دفع غایله که مابین این ضعیفه و شوهرش

اتفاق افتاده بود بخانه آنها رفتم که اصلاح تمام شوهرش
مقتول دیدم نواب معزی البیه در جواب آن شخص گفته بود
که اگر مصحح بودی نفس مقتول حیا را را چه از خانه اش
بیرون برده بچاه انداختی یا بچاه بالاخر معلوم شده بود که

زوجه مقتول و آن شخص هر دو در قتل او شریک بوده اند
لذا نواب معزی البیه هم بلا حذر اینکه قاتل بسیاری را
بوده است در عوض دیه افعام و دانی از خود برده مقتول کرده

و آن شخص قاتل را بگری علی خود رسانیده بود
استر اباد

از قراریکه در روزنامه استر اباد نوشته بودند ناخوشی
و بار آنجا ماندند و لکن این واقعه بیخبر یافته است

کردستان

از قراریکه در روزنامه سنج کردستان نوشته بودند
از اتهامات اولیای دولت علیه امر اتحاد و قربن کمال
الضبط است و لکن از احصام و ایلات شهر زور و متعه و

عثمانی با زبانی بی اعتمادی و بی حسابی نسبت بانامی کرد
ظاهر میشود و البته وکلای دولت علیه عثمانی نظر کمال اتحاد
و دادی که مابین دوین علیتین حاصلست و مقام رفیع
بی اعتمادی و حسابی آنها خوانند برآید

دیگر نوشته بودند که میرزا عبدالرزاق که از جانب دیوان
بجهت رسیدگی موجب سربازان کردستان مامور شده بود
این اوقات سامی نفری سرباز را گرفته مشغول رسیدگی

سرباز است

دیگر نوشته بودند که یک نفر ضعیفه بود که بی شوهر بوده است
در کمال رغبت و میل طالب اسلام شده بدلائل یک نفر
سید شیخ الاسلام کردستان رفته بود که شرف
اسلام فایز شود عالینجاب ملا محمد شیخ الاسلام

ضعیفه مزبوره را بمحض خود طلبیده و نفین کلمه شهادت
باده نموده یک نفر فقیده را بتعلیم اصول و فروع دین
معین کرده بود که آداب و فواید دین مبین اسلام
باو تعلیم نماید و بعد از سه روز ضعیفه جدیداً اسلام را

برای همان سید فقیده بسته بود

خراسان

از فرار یک در روزنامه خراسان نوشته بودند عالیجا
 مقرب الخاقان سامخان ایلمخانی دولت و پناه
 نرسواریه و پناه نرسواریه بیکر کی عالیجا اسد
 از دیوشان فرستاده که در ارض اقدس در
 نواب مستطاب شاهزاده و الایب حسام السلطنه
 والی مملکت خراسان با نواب معزی الیه
 سان آنها را به وقت دیده اظهار التفات زاده
 حق سر کرده و سواره مزبور نمودند و پسچین
 فرار یک نوشته بودند در نهم ماه مزبور خود عالیجا
 مقرب الخاقان سامخان ایلمخانی دار ارض اقدس
 و یکصد و پنجاه نفر سواره مکتلی است همراه
 خود آورده بودند که من حیث المجموع چهارصد
 سوار است خوب در مشهد مقدس حاضر کرده
 که در خدمت نواب شاهزاده مشغول تقدیم خدمات
 دولت علیته باشند

از فرار یک نوشته بودند عالیجا مقرب الخاقان
 میرزا صادق مستوفی در روزنامه خراسان
 از ارض اقدس بیرون آمدن و روانه دارالخلافه
 دیگر از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته بودند
 امسال بجهت وقوع حادثه ناخوشی و با که در جمیع محله
 محروم بهر سینه تردد و عبور قافله و زوار مرست
 زیاد تر از هر سال بوده است که تا بحال این شد
 قوافل و زوار مشهد مقدس نیامده بوده است و با
 کثرت جمعیت و آنهمه زوار و قوافل که همه روزه وارد

آنجا میشوند کمال ارزانی و فراوانی نعمت و مزیت
 حاصل است و برانی اولایت و صادر و وارد خصوصاً
 ضعف و فقر از بخت بسیار خوش میکند و از آنها
 اولیای دولت علیه زوار و قوافل در منازل عرض راه
 از تعرضات طایفه ضاله ترکمانب این مستند و قافله
 و زواری که میروند مستحقین و تفکیکشان عرض راه آنها
 در کمال آسایش از منازل محفوظ میکند و اگر از طریق
 ترکمانی کسی بخواد دست بردی بزوار و قوافل بزند در مقام
 وقوع دروغ آنها برمی آید از جمله نوشته بودند که این قوافل
 عالیجا مطلب خان قریب چهار هزار نفر زوار را همراه خود
 از شام و رمی آورده است که از منازل محفوظ بگذراند
 در مراجعت آثار سوار ترکمان را دیده برای رفع تعرضات
 آنها از امانی نجات و آنها را عاقبت کرده خود شن با سوار
 که همراه داشته جمعیت سواره ترکمان را متفرق ساخته
 سی و پنج نفر را مستخلص کرده و سیزده نفر از ترکمانان
 مزبوره را اسیر و دستگیر ساخته بود که بعضی از آنها
 مقتول و بعضی زنده بوده اند

دیگر نوشته بودند که امر افواج آنجا کمال نظم و انضباط را
 دارد و همه روزه افواج متوقفین ارض اقدس که از جمله آنها
 عجم و فوج دوم تبریزی و فوج نیشابوری است در میدان
 آنجا از طلوع افق تا ساعت آخر روز که مشغول هستند
 و سوار صاحب منصبان هم در مشق افواج کمال اهتمام را دارند و
 و بیرون دروازه بالاچنانکه در این نوشته شده است و در
 این اوقات فرود آمده اند که در میان آنرا که برای افواج جا باز کرده است

اخبار دول خارج

انگلیس در روزنامه اینولایت نوشته بود
 که مشورتخانه انگلیس از خوانین و وکلای رعایا که چند ماه
 در پای تخت بجهت فرار امور دولتی حسمع شده بودند
 از جانب پادشاه در روز چهارم دسم ذیقعد
 مرضی حاصل نموده و چون خود پادشاه در شهر
 حضور نداشت چنانکه قاعده و معمول آنولایت
 از بزرگان خوانین و امنای دولت فرمایش پادشاه
 بابل مشورتخانه ابلاغ نمودند و از جمله فرمایشات پادشاه
 این بود که بر حسب حسن تدبیر امنای دولت دستور
 جمع و خرج ولایت بطور شایسته و خوب قرار داده
 و معلوم است که هر یک از امورات دولتی رونبری
 و قراری که در باب امور هندوستان در مشورتخانه
 شده بود پادشاه قبول کرده و مضمی داشته است
 و باین دولت انگلیس و کل اهل دول خارج کمال دوستی
 و یگانگی و اتحاد است چنانکه مدتی در رتس امید بود
 تمام شده است و قرار گرفته اند که در آنولایت
 مشورتخانه داشته باشند که خودشان نظم خود را در
 چنان مستحکم نمایند که دوباره از طرف طایفه سرخه
 آنجا اقدام باغشاش و آشوب نشود و جنگ مملکت
 هندوستان تمام شده و پادشاه آن مملکت
 کالیفت دولت انگلیس را قبول کرده و صلح نموده است
 و این مراحل باعث شکر است که در کل ممالک
 و آرامت و هر امری بطور شایسته پیش میرود این جمله
 گفتار امنای دولت بود که از جانب پادشاه بابل

مشورتخانه القا نموده بودند و بعد از اتمام این گفتار
 اهل مشورتخانه در خص و متفرق شده و بنجای خود رفتند

فرانس

امپراطور فرانس که چندی در قصد ویت نوف
 داشت بنیاد داشته است که از آنجا است شمال مملکت
 فرانس سفر نماید در دوار دو که یکی در سطوری و دیگری
 در حلقه میاست قسطن نظام مشق کلبه میگرداند و در
 هر دوار دوار استکی و شکوه و نظم تمام بود
 در روزنامه دولتی فرانس که مانع تیر میمانند
 بودند که دولت اذن داده بود که راه آهن را بجهت
 تردد کالک که تجار زیاد نمایند و امید داشتند که سا
 این راهها منفعت یابند و هم بدو چشم بخلاق
 سه فرودگشی بزرگ جنگی که در شهر اشفورت
 میافتند حکم شده بود که روزه تمام نموده بآب بندند
 و بعد از آب انداختن کشتیهای مزبور سه کشتی دیگر
 آنها درها بنجا بنا بگذارند
 استریت
 از فرار روزنامه اینولایت امپراطور استریت بپای
 دارد و دختر یکی از شاهزادگان مملکت بوارتیه را
 میگیرد ولیکن میگوید که بعد از چند ماه دیگر این
 عروسی خواهد شد
 ایضا در روزنامه این ولایت نوشته اند که در ایام
 اهتساح مملکتین ایتالیا و مجارستان چند قانون سخت
 و احکام شدید بجهت نظم آنولایت مجبری کرده بودند

چونکه این احکام باعث از دست خلع بود و از آنجا
که سبب نظمی که حالا در آن ولایات لازم نبود که این
احکام سخت برقرار بشود امیر بطور استریه در چند
انها تخفیف داده است

بنا بوده است که امیر بطور استریه در پانزدهم
باردوی انگلستان برود که در آنجا اردوی فسون را که
بجهت مشق جمع شده اند تماشا نماید

ساروینیه

از مملکت پیمانت که جزو ممالک ساروینیه میباشد
نوشته اند که در شهر توهه سبجه کرانی مان اغشای
شده بود در نهضت های مردمان فقر ادبی بصاعت آنجا
جمع شده و بخانه حاکم رفته و صدای زبانه

کرانی مان بلند کرده بودند و بعد از آنجا متفرق شده
رو بروی دکانه های جناری و اشخاصی که کدوم در آنجا
و میفرستند رفته و قیل و قال بسیار کرده بودند
بر کان جناری هجوم نموده و پانوا نامی را آورده بودند
که نام از آن تر فرستند و بعد از آن خود بخود از آنجا

متفرق شده بودند مردان درین اغشاش معلقت
زنها شده بودند سهل است بعضی مردان از قسم کارا
و عمده و غیره با آمدن پوایان آمده بودند که اغشاش
موقوف نمایند

پادشاه مملکت صفتانیه بملکت پیمانت آمده بود
و در آن ولایت اکثر اوقات مشغول شکار و تفریح بود
احوال آن مفرقه

بجهت ناخوشی و با که در شهر کزینها گن و سایر جاها یکی

ممالک و بیجا رکت بروز کرده و شدت دارد چهار روز
که اختیاریان این ولایت و ممالک گدا

از مملکت هند وستان نوشته اند که ناخوشی و با که اکثر
اوقات در آن شهرت در اوایل ماه رمضان چنان
شدت کرده بود که در دوروز یک هزار و صد نفر تلف

از شهر ناپولی مملکت ایتالیا نوشته اند که در وسط
هوای آنجا چنان گرم شده بود که درخت تاک انکور در

بعضی جاها ضایع شده بود چنانچه در بعضی باغات
آنجا اسال سیج انکور بعضی نیامده است و در مملکت
بسم نوشته اند که در میان تاک انکور آنجا نیز اغشاش
بود

از جزیره باز پیدوس که یکی از جزایر خط استواست
نوشته اند که حاصل شکر امسال در آنجا از سالهای
سابق زیاد تر شده بود سی و شش هزار چلیک شکر و شیره
شکر از آنجا بکشتی که امشته و بخارج فرستاده بودند
و دوسه هزار چلیک نیز حاضر کرده بودند که روانه

نمایند و بعد از هزار چلیک هم در کارخانه ها تمام بود
چلیکهای آنجا تخمینا هر یک بقدر پنج هزار بوزن
ست عباسی باریک گیرند کشتیهای تجارتی با آنجا گم
بود و کشتی نداشتند که این شکر و شیره شکر را

بیرون بفرستند

یکی از دولتمندان طایفه کبر که در هند وستان پارسی
میگویند موسوم بحشید خانی بهانی بک لک در پی پی
هند وستان که شصت و پنج هزار تومان پول ایران

میباشد دولت انگلیس شش کرده است بجهت
ساختن مدینه آذربای نقاشان

می کند که چنانچه در حساب حکم دیوان آبله اورا کوبیده اند

در راه آهن مابین شهرهای ایلوشیل و کلون برق
کاسکها و چرخ بخار زده بود و لکن ضرری رساند
بود مگر آنکه مستحفظ کاسکها قدری سوخته بود

در روزنامه های فرنگستان در خصوص ستاره و بناله
که در ماه سوال درین ولایت پیدا شد نوشته اند
که در مملکت فرانسه از دو تیم ماه رمضان این ستاره

از شهر کرسیستان مملکت ناردویر نوشته بودند که رأ
آهن که در آنجا میخسند تمام شده بود و در روز اول
پادشاه آن ولایت افتساح کرده بودند و این
راه آهنی است که در آن ولایت ساخته اند

دیدند بودند و چنانکه کل این ستاره را حرکت می
بطرف اقیانوس حرکت میکرد و در آنوقت حساب
کردند که در روز جمعه بیت و مقمذ بقعه از اقیانوس
گذشته و از او دور میشود و منجمن حساب کرده اند که
این ستاره روزی سه گره فرسخ راه میرود و دو

دولت انگلیس بنا که استه اند که مابین ولایت انگلیس
و سمت غربی مملکت افریقا کشتی بخار تیز رو بر راه
بجهت حمل و نقل مساج و کتوبات و غیره و کمان دار
که راه انداختن این کشتیهای بخار تجارت مابین
مملکتین را بسیار زیاد کند

ز نزدیک باقیاب است از آنهم زودتر حرکت در دو
ستاره اش بسیار بزرگ است و بزرگی اورا از
کره ارض گرفته اند و بعد از بیت و مقمذ بقعه درین
ارض پیدا نمی شود و لکن در مراجعش از سمت اقیانوس
در آن سمت ارض معلوم و پیدا میشود و این ستاره

از استریه نوشته اند که بنا دارند در اول پانز
اردونی در مملکت مرادیه که جزو ممالک استریه میباشد
جمع نمایند چهل هزار پیاده و باز ده هزار سوار با سجا
خبر کرده اند

کل ممالک فرنگستان پیدا شد
در یکی از روزنامه های انگلیس نوشته اند که چند نفر
انگلیس که در جزیره کار فو بودند زورق بادبانی سوار
شده بودند و در روی دریای هند راه میفرستند یکبار

در مملکت انگلیس در خصوص کوبیدن آبله با طفلان حکم نامه
از جانب دیوان صادر شده است مابین مضمون که
طفل سه ماهه که شد با یکسان آبله اورا کوبند
بیشتر از سه ماه از تولد کودک بگذرد و آبله او کوبیده
شده باشد دیوان آبله آن طفل را می کوبد و لکن والدین
آن طفل با کسانی را که آن طفل متعلق با آنهاست جریمه

که زورق بجزیری خورد و مانند اینکه سبک بخورد و کم شده
بود که وارونه بشود و در میان آب نگاه کردند دیدند که یکی
از آن ماهیهای بزرگ که آدم را خرد میبرد و آبله
و زورق خورد است و بعد آن ماهی فرود رفت و در آنجا
بیماری از ماهیها بودند که خوک ماهی میماند یکی از بزرگان
که در آن زورق بودند نیزه با او انداخته بود و تیر نیزه

ماهی گیری پر دارد و بر کشته است که وقتی که ماهی فرو
 رفت گبر میکند و بیرون نمی آید و بسته نیزه هم گلبا
 می بندند که اگر ماهی پر زور باشد و خود را بدریا بکشد
 در میان گوشت او میماند و طناب دنباله نیزه بزور
 سبته است تا وقتی که ماهی از زخم نیزه چسته و ضعیف
 بشود آنوقت او را در میان زورق می کشند طناب
 نیزه را که ماهی زده بودند بدو رسا عید یکی از سر باز را
 چیده بود و چون ماهی تند و پر زور بود سر باز را میان
 آب کشید و بند سر باز زور که میان آب افتاده
 بقدر سی قدم از زورق دور است زورق را بطرف
 او راندند تا یکی که در آنجا نشسته بود گفت که ماهی زور
 در اینجا است و میخواهد که این سر باز را بگیرد سر باز
 دیگر که در آنجا بود کار دی گرفته و خود را میان آب
 انداخت بر ماهی رفت و شکم ماهی را در چند
 جا با کار دپاره کرد و لکن ماهی بان سر باز که باب
 افتاده بود رسیده و بکپای او را قلم کرده و فرو برد
 بود سر باز آن سر باز زخم دار را با آن سر باز دیگر
 برد و در میان زورق کشیدند و بت خشکی راندند
 اندکی رفته بودند دیدند آن ماهی درنده که شکمش پاره
 شده بود بروی آب افتاد او را گرفتند و در
 دولت وسی و پنج پوند بود که تخمیناسی و پنج حنجر
 بالا زوزن ایران بود وقتی که شکم او را شکافتند پاهای
 آن سر باز را که فرو برده بود در گلوی او یافتند و
 استخوان پارا جا دیده و خورد کرده بود
 در روزنامه های یکی دنیای شمالی نوشته اند که در

۸۹۲

که در راه خشکی مابین دو دریا که پانامه می نامند راه است
 میسازند اما صعوبت و اشکال دارد زیرا که این راه چمن و گل میکند و
 ریش گل است بقدر پنج ذرع زمین رانده و چوبها محکم کار برده و مسلمان
 این را بروی آن چوبها گذاشته اند و لکن بچند سختی این کار بود آب هوا
 اینجا ازین رو دین بودندی می کشند که با بحال حاضر از جمله در سناختن این
 نطفه اندر اول پیدا کردن طلا در کلی فارسیا درم از طرف عالم اینجا می کشند بسیار
 در دول خود مقصد و با بنجا فرار جمع شده آنوقت نظم در میان سهر
 سنت فرانسکو زوری و بی آدم کشین بسیار نظم است و در ساختن کشتی
 بطوریکه سابقین و اشترایه و کشتی کلاهی بسوی اوست یا بجای دیگر رفتند
 و نظم تمام در اینجا کشته و درین اوقات مردم بار از هر طرف عالم
 زیاد با بنجای آیند حساب کرده اند که در وقت سده نوزده
 بمشغول بودند و پشت نفرم دوزن و بجه با بنجا آمده اند و دوازده
 هزار موصد و شصت و پنج نفر از آنجا بیرون رفتند که موافق این حساب
 در سه ماه هفت هزار و صد و سی و سه نفر محصوب با بنجا علم
 شده است و بیهین فرار روز بروز جمعیت آنجا زیاد تر میشود
 یک قدم مردم از آن سمت یکی دنیای شمالی که آباد است با بنجا
 می آیند اما سال موز نیامده بوده اند اما کمان بوده است که
 بقدر شصت هزار نفر درین اوقات از آن طرف می آیند
 و این اشخاص اکثرشان زراعت کارند و اسباب
 زراعت و گاوه و کوفتند و اسب و غیره همراه می آورند
 و کمان کلی دارند که در آنجا منفعت زیاد میکنند زیرا که
 آنجا بسیار است و از وقت کران یکم باب